

پیام سازمانهای حزبی در خارج کشور به کمیته برون مرزی حزب توده ایران

بمناسبت چهل و دومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران

• تدارک برپائی بنوم، فریاد مرگی را که ارتجاع و امپریالیسم برای حزب ما آرزو دارد، بی طنین ساخته است.
رقسای گرمی!

تاریخ چنین مقرر داشته که ۴۳-مین بهار زندگی حزب توده ایران، در یکی از خونین ترین و غرور آفرین - ترین دورانهای هستی حزب ما، آغاز شود. بر گنجینه فولادین و الهام بخش مبارزات حزب توده ایران، آشکار ضربه‌هایی چنین سخت و زهر آلود همه جا دیده می‌شود: هر آنکس که در میدانهای جنگ، در مهلکه‌های شیخسون و خطر، بمثابه سپر محافظ منافع مردم عمل کند، پیکری چنین زخم خورده و خونین خواهد داشت.
اینک که در میهن ما، امپریالیسم و ارتجاع، بجای انقلابیون واقعی؛ کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان " به آفوش مام میهن " بازگشته، به جای میلیونها کارگر و دهقان؛ و شکنجه‌گران مردم با شکنجه، مدافعان مردم، بجای شیفتگان مردم نشستند، وظیفه و مسئولیتی به مراتب بیش‌تر و سنگین‌تر از گذشته، بر عهده همه مدافعان زحمتکشان، بویژه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران گذاشته شده است.

بقیه در صفحه ۲

راه توده

تشریح و تحلیل حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۵ مهر ۱۳۶۲ مطابق ۲۴
ذالجه ۱۴۰۳ و ۷ اکتبر ۱۹۸۳
سال دوم، شماره ۶۲
پهلو: ۱۰۰، عرض: ۶۲

اعلامیه

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
در خارج از کشور بمناسبت
چهل و دومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

در صفحه ۴

سأطور خون چکانی که شرف و شخصیت "زندانیان سیاسی"، را فشانده گرفته!

پخش " شوهای رنگارنگ تلویزیونی " که
آنسوی چهره " انسان خواهانه " حاکمان
چ ۱۰۱۰ را آشکار می‌سازد، اینروزها، در ایران به
" سند افتخار " چ ۱۰۱۰ بدل شده است.
اینکه دست‌اندرکاران و تهیه‌کنندگان چنین
" شوهای "؛ تا این اندازه از خود " گستاخی "

و " قساوت " نشان می‌دهند، که اسناد زنده
تیرباران های گروهی و شخصیتی انسانهای مبارز
را، در برابر چشم جهانیان، به نمایش گذارند،
امری است، که به درجه وجدان و اعتبار
" انسان دوستانه " آنان مربوط می‌شود.

بقیه در صفحه ۸

اظهاریه رفیق یوری آندروپوف و بازتاب بین‌المللی آن

در صفحه ۵

کمونئیست‌های پاکستان و فیلیپین
از توده‌ای‌های در بند دفاع می‌کنند

در صفحه ۶

ضرورت ادامه این جنگ بی سرانجام چیست؟

در اولین ساعات روز جمعه هفته پیش،
مردم بیجان آمده و محروم در فصول و
اندیشک، با صدای انفجارهای
مهییب و زلزله‌ای که زمین را چون گهواره‌های تکان
می‌داد، از خواب برخاستند، تا میان ویرانی و
مرگ و ستونهای غول پیکر آتش، پیکره‌های سوخته
و متلاشی‌شده عزیزان خود را، به عنوان " برکت " و
" نعمت " از این " عامل پیشرفت اقتصادی و
صنعتی " تحویل بگیرند!

مردم " همیشه سیاهپوش " در فصول و
اندیشک، که همواره مشغول شخمزدن زمین‌اند، اما
نه برای کشت و زرع؛ بلکه برای دفن عزیزان خود
این بار نیز با خشم و عصبانیت مبهوت، از خود
و از یکدیگر پرسیدند: " چرا؟! اینهمه قربانی
چه ضرورتی دارد؟! "

البته هیچ يك از " پیام های " که این و
آن دولت‌مدار جمهوری اسلامی، با عنوان " هم-
وطنان عزیز و گرمی " و به همین مناسبت مخایره
کردند، به این پرسش اصلی، تعیین کننده و
حیاتی برای مردم، پاسخ نگفتند. و در عوض از
قول خود، و با مایه گذاشتن از خونهای بیشتر
آنان، شنیدند که:

" این ملت ۰۰۰ حتی اگر کار به جایی برسد
که همه به شهادت برسند، يك گام به عقب بر-
نخواهد داشت ۱۰۰۰! " (کیهان، ۱۳ شهریور)
و يك يك به بر شمردن " خواص جنگ "

بقیه در صفحه ۱۰

باید ارباد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

پیام سازمانهای حزبی در خارج کشور به کمیته برون مرزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

بمناسبت چهل و دومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران

را به حداقل می‌رساند. بدیهی است که صدر صورت گرفتار آمدن واحدی، گروهی دیگر که از خطر صون‌اند، نبرد انقلابی خود را ادامه خواهند داد.

هشپاری کمیته برون مرزی در انتشار بموقع این اعلامیه به تجدید سازماندهی رفقا و هواداران حزب در داخل ایران، یاری تعیین کننده‌ای رساند و امر تشکل پراکنده نیروهای مبارز و انقلابی حزب را تسریع و سامان میبخشد. از این روست که ما - مسئولین سازمانهای

حزبی در خارج کشور - کلیه تصمیمات و رهنمودهای کمیته برون مرزی را، رهنمودهای لازم - الاجرای حزبی تلقی می‌کنیم و در آستانه ۴۳ - مین سال روز پیدایی حزب، با درودهای انقلابی و تجدید پیمان با مردم و طبقه کارگر ایران، طبقه‌ای که حزب ما به آن تکیه دارد، آرزو داریم کمک صادقانه و از صمیم قلب ما را در جهت تحقق آرمانها و برنامه‌های حزبی ببذیرد!

- زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران
- مستحکم تر باد فشرده‌گی صفوف حزبمان و جنبش کمونیستی و کارگری ایران
- ما پیروز خواهیم شد.

سازمانهای حزب توده ایران در خارج کشور

پیام شادباش هواداران حزب توده ایران در ترکیه رفقای عزیز!

با قلبی آکنده از مهر به حزب توده ایران، حزب پیگیر - ترین مبارزان راه آزادی طبقه کارگر میهنمان و مدافع تأمین عدالت اجتماعی برای زحمتکشان، چهل و دومین سالروز پایه گذاری آن را شاد باش می‌گوئیم.

حزب ما، با تمام سختی‌ها و پستی و بلندی‌های نبرد حماسه آفرین خود، لحظه‌ای از راه خلق خارج نشده است و لحظه‌ای هم ستاره راهنمای خود را که مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری است، از مد نظر دور نداشته است. این شیوه اصولی و علمی مایه و اساس بیرون آمدن حزب از مشکلات و تدوین آن بوده و هست.

بی‌شک اینپارام خنجر خونین، کهنه و شناخته شده امپریالیسم و ارتجاع علیه حزب روئین تن ما، که برای فرود آمدن بلند شده است، خواهد شکست!

روانی و جسمی، مدرن و سنتی را " جایز و لازم " می‌شمرد.

تشکیلات غیر متمرکز حزبی، که بصورت واحد های کم شمل عمل می‌کنند و مستقیماً با رهبری حزب در خارج، که از دسترس ارتجاع و ارگانهای تصیقلی بدور بوده است - تماس دارند، در عین حال که وظایف انقلابی و روزانه خود را به مرحله اجرا درمی‌آورند، خطر به دام افتادن و زندانی شدن رفقا و هواداران حزبی

در این تردیدی نیست که حزب توده ایران، حزبی که در این ۴۲ سال رزم جانانه با ارتجاع و امپریالیسم، در تمامی لحظات تاریخ مبین مان - چه در روزهای تاریک استبداد و بخند آن آرزوهای مردمی و چه در شرایط خیز - گرفتن جنبش انقلابی و به ثمر رسیدن انقلاب و نبرد دشوار تحکیم و تثبیت آن - همواره حضور فعال داشته، در این برهه، ملاحظم و تاریخ ساز نیز، نقش بی‌جانشین خویش را بخوبی می‌شناسد و آنرا ایفا خواهد کرد.

هم از این روست که ما - سازمان های حزبی در خارج کشور - از هشیارانه بودن رهنمودها، فعالیتها و نقش تعیین کننده کمیته برون مرزی حزب توده ایران، در این مرحله از نبرد انقلابی حزب، ابراز خرسندی می‌کنیم و رهنمودها، اعلامیه‌های متعدد آن را جمله اعلامیه اخیر کمیته برون مرزی، بمثابة قطب نمای عمل خود، مورد توجه قرار می‌دهیم.

برپایه‌ی پلنوم هجده، در این لحظات دشوار - بمنظور تعیین تداوم خط مشی انقلابی و علمی حزب، در انطباق با شرایط بحرانی و مشتعل جامعه و شالوده ریزگی برنامه‌های همه سویه، انقلابی و همه خوان با ویژگی‌های کنونی میهن ما، نشانه سرعت عمل ارگانهای حزبی در جهت خنثی سازی یورش انفسارگسیخته امپریالیسم و ارتجاع به حزب و انقلاب ملی - دموکراتیک ۲۲ بهمن و تبیین هستی مبارزه جوانانه حزب توده ایران است. تدارک این حرکت جسورانه، از یک سو فریاد مرگوار ارتجاع و امپریالیسم برای حزب توده ایران آرزو دارد، بی‌ظنین ساخته و از سوی دیگر تحکیم فشرده جنبش کمونیستی ایران را، که راهگشای تداوم انقلابی است، به ارمغان می‌آورد.

رهنمودهای کمیته برون مرزی حزب، پیرامون امور تشکیلاتی، یکی دیگر از نشانه‌های هشپاری انقلابی و رزم جوانانه حزب توده ایران است. تجربه، انکار ناپذیر و آزموده شده، حزب ما در سالهای سیاه دوران طاغوت و نیز تجربه پربار سایر احزاب برادر، صحت خدش ناپذیر مضمون علمی اعلامیه کمیته برون مرزی حزب را، مورخ ۱۲ تیر، آبی نمایاند:

این یک اصل بی‌بدیلی است که در شرایط اختناق فاشیستی و حاکمیت سرکوبگرانه ارتجاع تنها راه پیروز رزم انقلابی و پسپنج نیروها و خیزش خلق، عدم تمرکز تشکیلاتی است. بویژه که حاکمیت راستگرا ۱۰۱۰۰۰ برای شکستن انقلابیون واقعی و انسانهای شریف و مبارز، کار برد همه وسائل جهنمی، استفاده از شکنجه‌های

شقایق کوهی

" صبر کن حافظ که گر زین دست باشد درس غم عشق در هر گوشه‌ای افسانهای خواند ز من "

گفتی که باد - در قحطی شکوفه دانش - اندوه سایه باران بر خرمند نشاند؛ گفتی که دست و خوشی بهمن یخ سرمهها در چشم آهوان سبز، برکشید؛ گفتی که خون - بی‌تاب و کم - بر کاکل سپیده قدم نهاد؛ گفتی که عشق د بدم گوی زخمی حافظ از قصه‌های ناشنیده، غزل می‌سرود (گویی که شعر من در راز آبی فرهاد، غوطه می‌خورد)

گفتی و گفتنت زخم هزار خاطره در جان ما گشود اما بدرنگ! آفتابها به دق مجروح و دل شکسته مباد! گلدان اگر شایسته گلت نبود در زیست نامهات، خون سپیده اگر قلم دوانده بود بی‌باور از یخ و تگرگ و رعد در کوه و دشت ماندنت چه بود؟

آری، شقایق کوهی، قلب حزین ماست کز خون آهوان و سپیده می‌روید باری، عشق بلندخون از نیزه می‌گوید.

م.ف. غزل شهریسور ۱۳۱۲

کمونیست‌ها و دمکرات‌ها، از توده‌ای‌های دربند دفاع می‌کنند

جبهه خلق برای آزادی فلسطین یورش ناجوانمردانه به حزب توده ایران را محکوم کرد

اعضای جبهه خلق برای آزادی فلسطین در پاکستان بیانیه‌ای درباره یورش ناجوانمردانه به حزب توده ایران صادر کرده است که متن آن چنین است:

پس از به قدرت رسیدن جناح نظامیگرا در هیئت حاکمه آمریکا، سرکوب شدید ملت ما توسط امپریالیسم (حتی) بصورت تجاوز مستقیم از طریق نیروهای واکنش سریع و مانورهای نظامی و استقرار عوامل نظامی شدت گرفت. این امر در پی پیروزیهای جنبش‌های رهایی بخش ملی که باعث (وارد آمدن) ضرباتی بر منافع آمریکا و کسب استقلال اقتصادی و ایجاد اتحاد مستحکم کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد جماهیر شوروی، دست قابل اطمینان ملت‌ها شده بود، انجام می‌گیرد.

انقلاب ایران، بمنظور از بین بردن یکی از پایگاه‌های اساسی امپریالیسم در منطقه بوجود آمد و پیروزی این انقلاب از طریق اتحاد تمامی نیروهای که علیه رژیم شاه مقاومت و مبارزه میکردند، تأمین گردید، که در نتیجه آن یکی از عمال امپریالیسم در منطقه از بین رفت و اکنون این امر مشهود است، که این انقلاب بدون اتحاد (همه) نیروهای ملی و مترقی امکان پیشرفت ندارد. این نیروها در چهار سال گذشته سعی در تقویت انقلاب داشتند.

اکنون روشن است، که نیروهای راستگرا در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تلاش "منحرف ساختن اهداف توده‌ها، چای ایرانی، از راه حقیقی خویش را از طریق یورش علیه نیروهای مترقی و در رأس آنها حزب توده ایران و دستگیری و شکنجه تمامی مبارزین صادق دارند. تاریخ ۴۲ ساله حزب توده ایران، حاکی از مقاومت و مبارزه علیه دیکتاتوری و امپریالیسم و ارتجاع، بر اساس مواضع ملی و مترقی بوده است. از این دیدگاه، حمایت شدیدی خود را از حزب توده ایران اعلام داشته و اقدامات زیر را خواهانیم:

۱- اعلام اسامی و محل نگاهداری و اتهامات کلیه زندانیان سیاسی در زندانهای ایران.
۲- آزادی تمامی رفقای حزب توده ایران.
۳- دعوت از یک هیئت پزشکی بین‌المللی بمنظور معاینه رفقا و آشکار کردن شکنجه‌های وارده بر آنها.
۴- برگزاری محاکمه علنی عادلانه برای تمامی رفقای مورد اتهام، با شرکت هیئتی بین‌المللی شامل حقوقدانان، پزشکان و روزنامه نگاران و شخصیت‌های بین‌المللی و غیره.

— زنده باد مبارزه پیگیر خلق‌های ما علیه امپریالیسم و متحدانش!
— صدای پشتیبانی از حزب توده ایران را

هر چه رساتر کنیم!

— تمامی فریادها جهت پشتیبانی از حزب توده ایران!

فرانسه

در مراسم جشنی که حزب کمونیست فرانسه، بخش من ولوار در روزهای ۲۷ و ۲۸ اوت (۶ آو ۲۷ مرداد) در آنزه برگزار نمود، شرکت کنندگان، ضمن بازدید از غرفه "حزب توده ایران"، با اعضای طومار اعتراضی و کارتهایی، که در آن آزادی کلیه زندانیان ضد امپریالیست و پیوسته رفقای زندانی، طلب شده بود و ارسال آن به سفارت بـ ۱۰۱۰ در پاریس، انزجار خود را نسبت به اعمال فشار و اختناق در مورد کمونیست‌ها و دمکرات‌های ایران، و همبستگی خود را با آنان اعلام داشتند. در میان امضا کنندگان، شخصیت‌های سیاسی معروف فرانسه نیز بچشم



میخوردنکه از جمله میتوان از مسئول نشریات "اومانیت" و "اومانیت دیمانش"، مسئول کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (ث. و. ت.) در من ولوار و شهردار شهر، نام برد.

● کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (ث. و. ت.) بخش ایزر، طی ارسال نامه‌ای به سفارت بـ ۱۰۱۰، در تاریخ شانزدهم اوت (۲۵ مرداد) باردیگر، مسئولین حکومتی ایران را به رعایت موازین بین‌المللی حقوق بشر در مورد زندانیان توده‌ای و سایر دمکرات‌های دربند دعوت نموده و از آنها خواسته است، دادگاه‌های آنان بطور علنی و با شرکت ناظرین بین‌المللی تشکیل گردد و نیز زندانیان، از حق آزادی انتخاب و کیل مدافع، برخوردار گردند.

آمریکا

روز شنبه، بیست و هفتم اوت (۲۶ مرداد ماه)، تظاهرات با شکوهی با شعار "کیار، صلح و آزادی" بمناسبت یادبود بیستین سالگرد هم‌آیی واشنگتن در سال ۱۹۶۳ و بزرگداشت

مبارز سپاه پوست آمریکایی مارتین لوتر کینگ، برگزار گردید که در آن قریب ۴۰۰۰ نفر شرکت کردند. در این مراسم، کمیته دفاع از زندانیان توده‌ای، اعلامیه‌ای توضیحی در مورد رویداد های اخیر و چگونگی وضع زندان‌ها و شکنجه‌های وارده بر زندانیان توده‌ای و سایر دگراندیشان در زند، پخش نمود. در این اعلامیه همچنین از افکار عمومی مترقی خواسته شده است، که با ارسال نامه‌های اعتراضی به دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد، این اعمال وحشیانه را محکوم نمایند.

بسیاری از تظاهرکنندگان نیز، طی امضای بیانیه "همبستگی با حزب توده ایران" و اعضای دربند آن و نیز پاکلیه زندانیان ضد امپریالیست، خواستار اعزام هیأت ناظری مرکب از پزشکان و حقوقدانان به ایران، جهت بازدید از آنان و نیز تشکیل محاکمات علنی بر طبق موازین بین‌المللی گردیدند.

● بنا به دعوت کمیته دفاع از زندانیان توده‌ای و به منظور گسترش همبستگی با زندانیان توده‌ای و سایر دمکرات‌های دربند و افشای جنایات حاکمیت ج. ا. ا. در تاریخ بیست و یکم اوت (بیستم مرداد ماه) جلسه‌ای در شهر سانفرانسیسکو تشکیل گردید.

در این جلسه رفیق مارک آلن، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا و عضو هیأت تحریریه هفته نامه "دنیای مردم، سخنانی ایراد کرد که ضمن آن، حمله به حزب توده ایران را در رابطه با دفاع سرسختانه آن از اهداف مردمی انقلاب دانسته، خاطر نشان ساخت که دشمنان حزب توده ایران و انقلاب ایران نیز مثل ریگان به حزب اتهام "جاسوسی به نفع شوروی" نسبت داد و این اعمال صرفاً در خدمت پیشبرد توطئه آمریکا برای درهم شکستن انقلاب است.

جلسه سپس به مسأله شکنجه و اعمال فشار علیه زندانیان توده‌ای و سایر مبارزین ضد امپریالیست در بند پرداخت و در پایان، کلیه شرکت کنندگان ضمن اعلام همبستگی با قربانیان اسیر در جنگال دژخیمان، پایان بخشیدن به این جنایات و اعزام هیئتی مرکب از متخصصین بین‌المللی، جهت بررسی وضع زندانیان را خواستار گردیدند.

● نورمن راث، دبیر سابق اتحادیه کارگران اتوموبیل سازی در شهر شیکاگو و عضو هیأت مدیره نشریه کارگر امروز (یکی از نشریات کارگری انقلابی آمریکا)، که در این شهر منتشر می‌شود، طی نامه‌ای خطاب به مقامات مسئول ج. ا. ا. نسبت به بازداشت و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران و سایر نیروهای دمکرات، شدیداً اعتراض نموده و از آنان صریحاً خواسته است، موافقت خود را با ورود هیئتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان به ایران جهت بررسی وضع زندانیان، اعلام دارند. بقیه در صفحه ۴

اعلامیه

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور بمناسبت چهل و دومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

ارانی بدر زین برفراز کشورش افشاند.
ارانی مرد، بذرش کشتاری گشت بر حاصل
ارانی گفت:

در این جنبنده شطی که تاریخ است،
مشوزان قطره‌ها کاندلر لجن‌ها برگران ماند!
بشوز امواج جوشانی که دانه در میان ماند!

اعتقاد توده‌ها را نسبت به حزب توده ایران و به جنبش کمونیستی میهنمان سلب کنند و آن را در منطقه و جهان منزوی نمایند، غافل از آنکه آنها که باد می‌کارند، توفان درو خواهند کرد. طراحان این توطئه، با چشمان حیرت زده دیدند که چگونه این حربه، در سطح ملی دشمنان حزب و انقلاب را هر چه بیشتر افشا کرد و در عرصه بین‌المللی برخلاف آرزوهای پلیدشان، در سراسر جهان، موج عظیم دفاع از حزب توده ایران و مبارزان در بد آن، چه سان صفحات پرافتخاری از همبستگی بین‌المللی پرولتاری را رقم زد.

ما هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور، چهل و دومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را به همه مبارزان توده‌های و فدائی و همه آنها بیکس قلبشان بخاطر رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران میتبد، صمیمانه تبریک می‌گوئیم.

امروز، پاسداری از "عالمترین شمره تکامل معنوی سازمان ما" که حاصل سیزده سال پیکار سازمان، چهل و دو سال تلاش حزب توده ایران، و در مجموع، حاصل نزدیک به ۷۰ سال مبارزه کمونیستهای ایران است، خود را در دفاع از صفوف به هم فشرده پیروان اصیل سوسیالیسم علمی، یعنی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نشان می‌دهد. امروز دفاع از حزب توده ایران، دفاع از استقلال میهنمان، دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی - مردمی خلقهای زحمتکش کشور ما و پیکار در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است.

— خجسته یاد چهل و دومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!
— هر چه گسترده تر باد جنبش پشتیبانی از حزب توده ایران!
— برقرار باد اتحاد بزرگ همه مبارزان را ما استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی!
— مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا!

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در
خارج از کشور

دوم مهرماه ۱۳۶۲

اندیشه‌ها و جان‌های دیار ما می‌گذرد، برگزار می‌گردد.

در میهن ما امروز، با ردیگر آنها می‌ماند - دار می‌شوند که تنها و تنها هدفشان ثابت کردن فرومایگی و سببیت خود به اربابان آن سوی اقیانوسها است. کشور ما شاهد تاخت و تاز مدافعین کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی، مدافعین سازش با امپریالیسم است. در ایران اینک جثه خونین انقلاب پر بستر عقب نشینی‌ها و ماساژنگری‌ها، و اینجا و آنجا با همدستی یاران نیمه راه انقلاب و آنها بیک تا دیروز، و دهه برقراری "عدالت اجتماعی" و "آزادی" احزاب و سازمانهایی که در چار چوب قانون اساسی فعالیت کنند، را میداند، کشان کشان به قریانگاه برده می‌شود. آنها بیک چشم امید به آستان شیطان بزرگ دوخته‌اند، از راستگرایان "اسلام پناه" گرفته تا لیبرالهای آمریکائی، همه و همه فکر و ذکرشان این است که بیک "ارباب" ثابت کنند؛ ما از همه کس با توده‌های دشمن ترمیم این "مسابقه" کثیف و متعفن بیش از هر چیز به قیمت جان و حیات شریف - ترین مبارزان راه طبقه کارگر و زحمتکشان، تمام می‌شود.

اما این همه فشارهای جسمی و روحی، از پراه انداختن "سریال" شلاق و شکنجه گرفته تا تفرقه افکنی‌ها و حقه‌های کثیف دیگر، نخواهد توانست جنبش پرافتخار کمونیستی ایران، جنبشی که راهش را از حزب کمونیست ایران، از حیدر عسوافلی و ارانی، آغاز کرد و حزب توده ایران پرچمدار راستین آن است، جنبشی که در حیات و پیکار هزاران رزمنده توده‌های و فدائی متبلور است، از پا در آورده‌آری به تعبیر سازمان ما:

"امروز آن بذر زین که ارانی برفراز کشورش افشاند، چنان انبوه شده است که موش‌ها دیگر هرگز قادر نیستند این همه را بزدند. شعله این جنبش، هرگز خاموش نخواهد شد. طعیرم تمام مصائب کنونی، بی‌هیچ تردید میتوان گفت که فردا، جنبش اصیل پیروان سوسیالیسم علمی، سر بلندتر از امروز، سر بسر خواهد کرد."

امپریالیسم و همپالکهای آن، در داخل و با بکارگیری شیوه‌های جنایت بار سرکوب و بسا به راه انداختن تبلیغات بیسابقه علیه حزب توده ایران، به خیال خود می‌خواستند،

با فرا رسیدن دهم مهرماه، چهل و دو سال از تأسیس حزب توده ایران گذشت. چهل و دو سال است که طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، به پیشاهنگ انقلابی و متشکلی مجهزند که هرگز درفش پیکار در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را از کف نداده است. چهل و دو سال است که اندیشه زندگی - ساز حزب، در میهن ما، در جان عاشقان رهایی و آزادی بشریت رخنه می‌کند.

چهل و دو سال است که امپریالیسم و ارتجاع با توسل به ددمنشانه‌ترین شیوه‌ها، با توسل به شلاق و شکنجه و زندان و کشتار، می‌خواهند حزب توده ایران، این سرسخت‌ترین دشمن خود را از میان بردارند.

اما در تمام مدت این چهل و دو سال، آنچه باقی مانده، سرافرازی و افتخار برای حزب توده‌ها و ننگ و نفرین ابدی برای سرکوبگران بود. امروز دیگر نه از شاه و دربار اثری است و نه از نوکران جیره خوار او نام و نشانی. آنها برای همیشه به زباله دان تاریخ سپرده شده‌اند، هر چند کوردلانی، امروز می‌کوشند در نامردمی و وحشیگری، گوی سبقت را از آنان نیز بریابند.

آنچه در این چهل و دو سال یک لحظه، حتی یک لحظه، در رخسار و شکوه خود را از دست نداده است، عزم راسخ مبارزان توده‌های، به ادامه حیات و پیکار و نیرومندی راه و آرمان حزب توده‌ها است. جلوه‌ای از این عظمت تاریخ‌ساز، سنت دیرپای برگزاری جشن سالگرد تأسیس حزب در هر شرایط و هر موقعیتی است. نگاهی به زمان و مکان و حال و هوای این جشن‌ها، خود بیانگر نه تنها فراز و نشیب حیات حزب، که فراز و نشیب جنبش انقلابی مردم ما است. جشن در میدانهای میتینگ و در میان انبوه توده‌های تشنه استقلال، آزادی و عدالت، جشن در شادمانی پیروزی‌های بدست آمده در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و جشن در شکنجه‌های قزل قلعه، دزباز - جان و اسارتگاههایی چون خارک، جشن در زیر چوبه‌های اعدام، جشن در تبعید، جشن در خانه‌های کوچک و دور از چشم ساواک و خبرچینان آن، جشن در روزهای قیام و آتش، جشن در روزهای پیروزی، روزهای خوب، روزهای امید بخش، جشن در روزهای نگرانیها و بیمها و امیدها، و امسال، چهل و دومین جشن در روزهای پر رنج و سختی که بر مردم کشور ما و بر پاک‌ترین

اظهاریه رفیق یوری آندروف و بازتاب بین المللی آن



آسیا، در آفریقا، در خاور نزدیک و در آمریکای مرکزی
دیگر کشورهای عضو ناتو نیز در پیاده کردن این نقشه‌های جی‌جی‌پازناک واشنگتن، پیوسته وسیعتر شرکت می‌کنند. و این هم برایشان کافی نیست. کوشش می‌کنند میلیتاریسم ژاپن را از نو زنده کنند و آنرا در ماشین جنگی - سیاسی این بلوک وارد سازند. آنان با انجام این کارها تلاش می‌کنند مردم را به فراموش کردن درس‌های گذشته وادارند.

بخاطر دستیابی به هدفهای امپراتوری خود، آمریکا آنقدر دور رفته است که نمیتوان دچار تردید نشد که آیا اصولا برای واشنگتن مانع و رادعی وجود دارد که از آن مرزی که هر انسان متفکر نباید آن را زیر پا بگذارد عبور نکند. یکی از نمونه‌های حادثه جوتی افراطی در سیاست، توطئه‌هایست که توسط سرویس‌های ویژه ایالات متحده آمریکا با استفاده از هواپیمای کره جنوبی سازمان داده شد.

رفیق آندروف در بخش دیگری از اظهاریه خود به مذاکرات ژنو می‌پردازد و می‌نویسد:
"اکنون دو سال است که گفتگوهای اتحاد شوروی و آمریکا در باره مسئله خاد-کاهش جنگ افزارهای هسته‌ای در اروپا در جریان است. هدف اتحاد شوروی رسیدن به یک راه حل شرافتمندانه و عادلانه است که به منافع قانونی هیچ کشوری لطمه نزند. اما طی این دو سال روشن شده است که طرف گفتگوی ما برای دستیابی بیک توافق به ژنو نیامده است. ۱۰ و هدف دیگری دارد: اقتسام فرصت و سپس آغاز استقرار موشک‌های "پرشینگ-آ" و موشک‌های بالدار دور برد در اروپا. آنان این هدف

پنجشنبه ۲۹ سپتامبر، روزنامه "پرس" و در ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، اظهاریه رفیق آندروف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را منتشر کرد. در این اظهاریه گفته می‌شود که رهبری اتحاد شوروی لازم می‌بیند برای اطلاع مردم شوروی، خلقهای دیگر و همه کسانی که در مورد سیاست دولت‌ها مسئولیت دارند، ارزیابی خود را درباره مشی دستگاه اداری کنونی ایالات متحده آمریکا در امور بین‌المللی اعلام نماید. اگر کوتاه گفته شود، این یک مشی نظامیگرانه است که برای صلح، خطری بسیار جدیست. محتوی آن، در نظر گرفتن منافع دیگر کشورها و خلقها و کوشش بمنظور تأمین مواضع برتر در جهان، برای ایالات متحده آمریکا میباشد. رشد بیسابقه توان جنگی ایالات متحده آمریکا، برنامه با مقیاس گسترده‌ای برای تولید تمام انواع جنگ افزارهای هسته‌ای، شیمیایی و معمولی بهمین منظور انجام میگردد. سپس در نظر دارند این مسابقه بی‌بند و بار تسلیحاتی را به فضای کیهانی هم بکشانند.

با توسل به انواع بهانه‌های من درآوردی، حضور نظامی آمریکا در مناطقی که هزاران کیلومتر از خاک این کشور فاصله دارد گسترده می‌شود. پایگاه‌هایی ایجاد می‌شود که به کمک آنها با نیروهای مسلح در امور داخلی دیگر کشورها مداخله کنند و سلاح آمریکایی را علیه هر کشوری بکار برند که در برابر سیاست تحمیلی از جانب آمریکا مقاومت کند. در نتیجه وخامت در تمام مناطق جهان تشدید شده است، در اروپا، در

فشار علیه دانشجویان مقیم خارج

قرار دادند. تا کنون مواردی پیش آمده است که این مقامات از والدین دانشجویان خواستارند تا فرزندان خود را برای "دادن توضیحات" به ایران فرا بخوانند. مقامات امنیتی ج ۱۰۰ در نظر دارند با اینگونه اعمال، که چیزی جز گروگانگیری والدین دانشجویان نیست، دانشجویان مبارزان تحت فشارهای روحی قرار داده و صدای هرگونه اعتراض و ناراضی از وضع رقت بار موجود در ایران را در خارج از مرزهای کشور نیز خفه کنند.

ما اینگونه اعمال را شدیداً محکوم می‌کنیم و از دانشجویان میهن پرست ایرانی تقاضا داریم اگر یوآردی را می‌شناسند برای "راه تسویه" بنویسند تا با درج آن این شیوه‌های رذیلانه افشا گردند.

پیگرد و تضييقات وحشيانه عليه توده‌ها و دگراندیشان انقلابی، از مرزهای ایران گذشته و دانشجویانی را نیز که در کشورهای اروپای غربی و آمریکا تحصیلی می‌کنند و دارای افکار میهن پرستانه و مترقی هستند تهدید می‌کند.

چندی است که مقامات امنیتی ج ۱۰۰ تحت پوشش وزارت علوم، والدین دانشجویان را که به نظر آنها - همچون زمان شاه علیه امنیت کشور - فعالیت دارند، فراخوانده و به آنان در مورد فعالیت‌های فرزندان ایشان تذکر و اخطار دادمانند. به جز تهدید به قطع ارز تحصیلی، عدم تمدید گذرنامه - که مدت‌هاست شامل حال دانشجویان میهن دوست شده - شکرده‌های دیگری نیز بکار گرفته میشود تا دانشجویان مقیم کشورهای اروپای غربی و آمریکا و آسیا را تحت فشار

نهائی خود را چندان هم مخفی نمی‌کنند.
رفیق آندروف سپس می‌گوید:

"ما احساس نمی‌کنیم که آمریکا تنها در لحظه کنونی تمایلی به محدود کردن و کاستن جنگ افزارهای استراتژیک داشته باشند. اکنون در پایتخت آمریکا به کار دیگری سرگرمند، پیوسته انواع تازه سیستم‌های سلاح هسته‌ای را روی خط زنجیر تولید می‌بینند. اینکار تصورات درباره حفظ ثبات استراتژیک را دگرگون میکند و امکانات کاهش موثر تسلیحات هسته‌ای را نابود مینماید."

در اظهاریه رفیق آندروف سپس می‌خوانیم:
"حسن نیت اتحاد شوروی و تمایلش به حصول توافق را هیچکس نباید بهانه سلامت ضعف تلقی کند. اتحاد شوروی میتواند به هرگونه کوششی که هدفش بهم زدن تعادل موجود نظامی - استراتژیکی باشد پاسخ لازم را بدهد و میان حرف و عمل اتحاد شوروی فاصله‌ای نیست. اظهاریه رفیق آندروف در سراسر کشورهای کره زمین انعکاس بسیار وسیعی یافت و تمام خبرگزاریها و روزنامه‌های معتبر جهان آنرا منعکس کردند. بویژه پس از سخنان عوام‌فریبانه و قبحخانه ریگان، رئیس جمهور آمریکا، در برابر مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اظهاریه رفیق آندروف به تمام خلقهای جهان که یا علیه تدارک جنگ هسته‌ای از سوی امپریالیسم آمریکا به نیروی بی‌امان برخاسته‌اند و یا مانند خلقهای لبنان، نیکاراگوئه و دیگر کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین که با ماشین جنگی آمریکا و عالیشان درگیر پیکار مرگ و زندگی هستند، نیروی تازه بخشید.

ترددی نیست که اگر همه خلقها برای سد کردن راه امپریالیسم جنایتکار آمریکا و حفظ خانه مشترکشان - کره زمین - از نابودی بر اثر جنگ هسته‌ای بپاخیزند، ریگان و دستیارانش نخواهند توانست به هدفهای پلید خود دست یابند.

کمونیست های پاکستان و فلیپین از توده های در بند دفاع می کنند

بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان

حزب کمونیست پاکستان در دفاع از حزب توده ایران و همبستگی با مبارزین توده ای و دیگر نیروهای ضد امپریالیست در بند تا کنون ۲ بیانیه صادر کرده است .

کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان در بیانیه اخیر خود، نگرانی عمیق خود را از سیر وقایع ایران، بویژه بازداشت و شکنجه های غیرانسانی رهبران حزب توده ایران اعلام و اعمال جنایتکارانه نیروهای راستگرای حاکمیت ایران علیه نیروهای میهن پرست و مترقی، و بویژه علیه حزب توده ایران، حزب میهن پرستان، قهرمانان و شهدای مردم زحمتکش ایران را شدیداً محکوم می کند . در جای دیگری از این بیانیه آمده است : حزب توده ایران در تاریخ موجودیت خود، یارها مورد غضب و یورش دشمنان ایران، امپریالیسم و ارتجاع قرار گرفته است . دشمن همواره کوشش کرده است، تا با وارد ساختن اتهامات ناروا و بی پایه به اعتبار حزب در میان مردم، لطمه وارد سازد . کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان اعتقاد دارد دشمنی با حزب توده ایران، دشمنی با منافع ایران و منافع مردم زحمتکش ایران است و آنرا در جهت منافع امپریالیسم آمریکا و ارتجاع محسوب میدارد . حزب کمونیست پاکستان خواستار آزادی فوری توده ایهای در بند شده و از مقامات حاکمیت جمهوری اسلامی ایران خواسته است تا ممنوعیت فعالیت حزب توده ایران را لغو کند . کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان نیروهای مترقی و دمکرات جهان را فراخوانده تا مبارزه خود را برای آزادی توده ایهای در بند تشدید کنند . کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان در پایان بیانیه خود ابراز اطمینان می کند که حزب توده ایران، این بار نیز دشواریها را پشت سر خواهد گذاشت و پیروزمندانه و مغرورانه از این آزمایش سر بلند بیرون خواهد آمد .

فلیپین

رفیق فلی سیموما کاپاگال دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست فلیپین، طی بیانیه ای



تحت عنوان " توده های ها، سر سخت ترین و هشیار ترین پاسداران انقلاب "، یورش داد - متشانه علیه حزب توده ایران را شدیدا مورد حمله قرار داده و آنرا گامی در جهت دوری از هدفهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب خوانده است . در بیانیه آمده است :

" مقامات ایرانی با سرکوبگری گسترده جنبش مترقی و دستگیری لگام گسیخته نیروهای دمکراتیک، بویژه کمونیستها، شریکهای نگرانی آور بر بیکر جنبش پشاهانگان انقلاب ایران فرود آوردند . "

در جای دیگری از این بیانیه آمده است : " کمیته مرکزی حزب کمونیست فلیپین که خود بارها از پیروزی بزرگ و راستای مترقی انقلاب ایران الهام گرفته است، دولت ایران را فرا میخواند تا به سرکوب نیروهای دمکراتیک در ایران پایان بخشد . "

رفیق فلی سیموما کاپاگال، در پایان بیانیه خود خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط اعضای حزب توده ایران و دیگر سازمانهای دمکراتیکی که قربانی سرکوبگری گشته اند، شده است .

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست فلیپین، محافل دمکراتیک جهان را به همبستگی با هدفهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب ایران فراخوانده است .

بقیه از صفحه ۱۱

قطعنامه سازمانهای مترقی هندوستان، در دفاع از زنان دگراندیش زندانی در ایران

در جلسه مشترک ۹ سازمان و انجمن مترقی هندوستان، که به تاریخ اول سپتامبر (۱۰ شهریور) در دلهی نوب برگزار گردید، قطعنامه ای به تصویب رسید، که در آن نسبت به بازداشت و شکنجه فعالین و اعضای " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " و سایر زنان مترقی شدیدا اعتراض بعمل آمده و اعضا کنندگان ضمن اعلام حمایت کامل خود از این زنان و دفاع از آزادیهای سیاسی، حقوقی و مدنی آنان، خواستار اطلاعات دقیق از وضع زندانیان و آزادی فوری آنان گردیدند . اسامی سازمانهای نامبرده، به قرار زیر است :

کنفرانس سراسری زنان هندوستان (متعلق به حزب حاکم خانم ایندیرا گاندی) سازمان دمکراتیک سراسری زنان هندوستان کمیته هماهنگی سراسری زنان کارگر کمیته (ماهیلا دکاشاتاسامیتی) فدراسیون ملی زنان هندوستان مرکز تحقیقاتی برای پیشرفت زنان اتحادیه مردم برای آزادیهای مدنی اتحادیه مردم برای حقوق دمکراتیک سازمان زنان جوان مسیحی هندوستان اتحادیه کارگران روستای دلهی از جمله شخصیتهایی که حمایت خود را از قطعنامه فوق ابراز نمودند، خانم آرونیا آصف علی، مبارز بنام هندی است .

بقیه از صفحه ۳

آلمان فدرال

دانشجویان عضو اتحادیه مارکسیستی، دانشجویان اسپارتابوکس - آلمان فدرال، در هشتمین کنگره خود که در روزهای سوم و چهارم اکتبر در شهر مونستر برگزار شد، همبستگی خود را با توده های در بند اعلام کرده و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمام زندانیان دگراندیش انقلابی از زندانهای جمهوری اسلامی شدند . در گردهم آیی ضد امپریالیستی نیز که در جنب کنگره برگزار شد، نماینده سازمان جوانان توده ایران، که در این کنگره شرکت داشت، پیرامون اوضاع اخیر ایران و علل یورش داد متشانه به حزب توده ایران پسرای حاضرین توضیحاتی داد .

شرکت کنندگان در این گردهم آیی ضد امپریالیستی با استقبال از توضیحات داد شده، انزجار خود را از اعمال روش های ناجوانمردانه در حق توده های در بند اعلام کردند و خواستار آزادی زندانیان توده ای شدند .

توده های مترقی و ضد امپریالیست ایران را تحت حمایت

مناسبت ۶۳مین سالگرد شهادت انقلابی بزرگ، حیدر عمواغلی

حیدر عمواغلی، قهرمان آزادی



"حیدر عمواغلی شخصی بزرگ و چکیده انقلاب بود"

عارف قزوینی

جنبش انقلابی مردم ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع، و در راه استقلال، آزادی و عدالت - اجتماعی در سده اخیر، چهره‌های درخشان زیادی داشته است. یکی از برجسته ترین آنها حیدر رخان عمواغلی است.

حیدر، پس از اتمام تحصیل در دانشکده تغلیس و دریافت دیپلم مهندسی برق، به باکو رفت و اولین مکتب انقلابی را در میان کارگران ایرانی گذراند. او در این دوران علاوه بر کار تبلیغاتی به کار تشکیلاتی نیز دست زد.

بمنظور متشکل کردن بیش از ۱۰ هزار نفر پیشه ور و کارگر ایرانی مقیم باکو، حزب سوسیال دمکرات با شرکت فعال حیدر عمواغلی و به رهبری نریمان نریمانف تشکیل گردید. حیدر عمواغلی پس از مراجعت به ایران به علت معاشرت دائمی با کارگران فقیر، در سال ۱۹۰۴ موفق به تشکیل سازمان حزب سوسیال - دمکرات در تهران شد. از این تاریخ صحنه جدیدی در زندگی حیدر عمواغلی باز میشد که با انقلاب ۱۹۰۵ - ۱۹۱۱ ایران پیوند نزدیکی دارد.

تشدید تضاد های اجتماعی و ناراضی روز - افزون اکثریت مردم ایران از طبقات حاکمه، باعث اعتراضات پراکنده و غیر متشکل مردم میشد. در امر متشکل شدن مبارزات و کشانده شدن قشرهای مختلف مردم به این مبارزات، رهبران اولین گروه های سوسیال - دمکرات ایران، که یکی از برجسته ترین آنها حیدر عمواغلی بود، سهم بزرگی داشت و به مثابه سازمانده و مبلغ افکار عدالت طلبانه، فعالانه در انقلاب مشروطیت شرکت داشت. از جمله میتوان از شرکت فعال او در تظاهرات برای تشکیل مجلس، پست - نشستن مشروطه خواهان در شاه عبدالعظیم و مسجد جامع و سفارت انگلستان نام برد.

پس از اینکه در سپتامبر ۱۹۰۶ مظفرالدین شاه تشکیل مجلس را اعلام کرد، انجمنهای "مجاهدین" و دسته های مسلح آنها بنام "فدائیان" بوجود آمدند. در تشکیل این سازمانها و انجمنها، حیدر عمواغلی نقش برجسته ای داشت. سازمانها و انجمن های فوق از لحاظ ترکیب داخلی و روش اجتماعی خرد - پیروانی بودند و ترور فردی را جایز نمی شمردند. قیام تبریز در روزهای انقلاب مشروطه، تأثیر عظیمی در بالا رفتن روحیه انقلابی در سرتاسر کشور داشت.

حیدر، با ستارخان در آذربایجان آشنا شد و ستارخان بعد ها از مریدان او شد. وی در آذربایجان شهرهای مرند و خوی و ... را از دست مستبدین آزاد ساخته و بدست مشروطه طلبیان می سپارد. هنگامی که فدائیلن تبریز به رهبری ستارخان به تهران رفتند، حیدر

خان نیز با دسته خود به آنجا رهسپار شد. در این زمان در میان مشروطه خواهان اختلاف بوجود آمده بود. عناصر محافظه کار، انقلاب را محتوم پنداشته مردم را به آرامش دعوت میکردند بر عکس طرفداران دمکراسی، که حیدر عمواغلی رهبری آنها را بعهد داشت، ادامه مبارزه علیه ارتجاع را ضروری می شمردند.

حیدر عمواغلی پس از سازماندهی مجدد تشکیلات حزب سوسیال - دمکرات ایران به دستور حزب از کشور خارج شد و اوایل سال ۱۹۱۲ به پراگ رفته با لنین ملاقات مینماید. در پاره حوادث ایران با او صحبت میکند. در کنفرانس ششم (پراگ) بلشویکها دربارہ مناسبات سوسیال - دمکراتهای روسیه با جنبش انقلابی مردم ایران قطعنامه ای صادر می کنند که در آن، اعتراض خود را علیه سیاست غارتگرانه دولت تزار و سرکوب جنبش آزادی مردم ایران شديدا ابراز میدارند.

سالهای ۱۹۱۷ - ۱۹۲۱ روشن ترین صفحات تاریخ فعالیت انقلابی حیدر عمواغلی است. پس از شکست انقلاب ایران، عده زیادی از انقلابیون توانسته بودند به قفقاز مهاجرت کنند. در ۱۳ ماه مه سال ۱۹۱۷ پس از انقلاب فوری و واژگون شدن استبداد تزار، این انقلابیون، نخستین کمیته رهبری حزب سوسیال - دمکرات ایران را بنام حزب "عدالت" تشکیل دادند.

پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، جنبش جنگلیها در گیلان به رهبری کوچک خان با شعار مبارزه علیه انگلیس ها و بخاطر دفاع از استقلال ایران، به مبارزه وسیعی دست زد.

در این زمان حیدر رخان عمواغلی در شهر پیور پس از تشکیل کنگره ملل شرق - کمینترن همراه چند تن دیگر از انقلابیون ایرانی، حزب کمونیست ایران را پایه گذاری کردند. در ۱۱ سپتامبر سال ۱۹۲۰ نخستین پلنوم وسیع حزب، حیدر عمواغلی را بعنوان دبیر اول کمیته مرکزی جدید انتخاب کرد.

حیدر قصد داشت علیه حکومت فاسد مرکزی جبهه های متحد از نیروهای مختلف تشکیل داده و بدین ترتیب نظام پادشاهی را سرنگون و امپریالیسم انگلیس را از ایران بیرون کند. از این رو تمام هم خود را برای تشکیل این جبهه بکار برد. "کمیته انقلاب" با شرکت میرزا کوچک خان، حیدر عمواغلی، احسان الله خان، خالو قربان و محمدی تشکیل شد. چهارم اوت ۱۹۲۱ در گیلان، حکومت شوروی اعلام گردیده و در زمینه های مختلف به اصلاحاتی دست زد. نیرو گرفتن کمیته انقلاب و تحکیم حکومت شوروی در گیلان و احتمال بسط آن به سایر ولایات کشور، ارتجاع داخلی و حامیان آن - امپریالیستها - را به وحشت انداخت. پس از حمله خودسرانه احسان الله خان به تهران و شکست وی، ارتجاع ایران برای سرکوب انقلاب گیلان ارتش خود را به فرماندهی رضا خان، سردار سپه، به گیلان

فرستاد، ولی دسته های ارتش انقلابی تحت سرپرستی حیدر عمواغلی آنرا شکست داده و پراکنده ساختند.

ارتجاع پس از این شکست کوشید بوسیله اعمال خود در صفوف انقلابیون، انقلاب را از درون تضعیف نماید و موجبات شکست آنرا فراهم آورد. کوچک خان، که خصلتای انقلابی ناپیگیر و نوسانگر بود و از نفوذ روز افزون حیدر عمواغلی ترس داشت، تحت تأثیر اعمال ارتجاع قرار گرفت و برای از میان برداشتن حیدر عمواغلی نقشه ای طرح کرد. حیدر رخان سپس خائنانه به قتل رسید.

بدینسان حیدر عمواغلی یکی از فرزندان پراستعداد و قهرمان مردم ایران، کمونیست انترناسیونالیست، در سن ۴۲ سالگی، هنگامیکه استعداد اخلاق انقلابی و سازماندهی اش شکوفان میشد، بدست خائنین شهید شد.

حیدر رخان عمواغلی در یاد های تمام ایرانیان شرافتمند و آزاد، بعنوان رهبر شجاع جنبش مشروطه و پایه گذار اولین حزب پیگیر و راستین مدافع حقوق زحمتکشان، بنیانگذار حزب کمونیست ایران زنده است.

چهره تابناک حیدر عمواغلی سرفراز لوح افتخار مبارزان راه بهروزی و سعادت ضیقه کارگر و زحمتکشان و تمام انقلابیون ایرانی نوین خواهد ماند.

توده های جوان، فرزندان راستین حیدر و ایرانی، ادامه دهندگان این راهند و با پذیرا شدن تمام سختی ها و ملامت ها، سرکوب ها و پیگرد ها، تشییقات و شکنجه ها درفش ظفر نمون راهی را که حیدر رخان عمواغلی برهنه میهنمان برافراشت تا پرافتخاندن ظلم در میهنمان، در اهتزاز نگاه خواهند داشت.

سایه خون چکانی که شرف و شخصیت "زندانیان سیاسی"، را نشان گرفته!

هدف حاکمیت جمهوری اسلامی ایران از بخش "شوهای تلویزیونی"، این است که پیش از تیرباران کردن مبارزان سیاسی، روان و شخصیت آنان را به قتل برساند.

بقیه از صفحه ۱

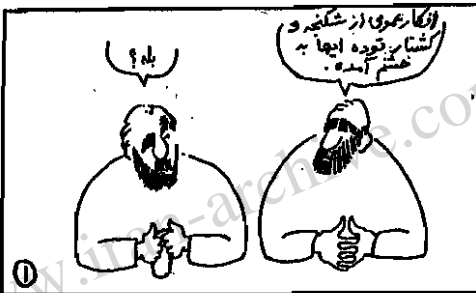
اما آنچه ما می‌دانیم و قلب‌واندیشه بشریت مترقی و واقعا انسان دوست نیز بر آن واقف است، اینست که سرنوشت "زندانیان سیاسی"، این انسانهای شریف و دست‌دار مردم، در میهن ما، سرنوشت دردناک و تلخی است.

"دژخیمان" گننام " دست‌آموز سیاه اینتلیجنت سرویس و موساد، در مقابل این "زندانیان بی‌دفاع" همه "بضاعت بهیمی خود را در دایره می‌ریزند و از اعمال هیچ گونه شکنجه اعم از روحی و جسمی، قرون وسطایی و مدرن، ابا ندارند؛ شکستن دست و پا، سوزاندن گوشت و پوست، کشتن، استفاده از کابل، شوک‌های الکتریکی، دستبندهای قیانی، صفحه‌های برقی و ... گونه‌های محدودی از "سایه اسلامی" ای است که ضابطین و سربازان "سیا" چهره گننام و با نام ج ۱۰۱۰ بکار می‌گیرند تا در دهان قربانیان خود، همان کلام را نهند، که خود می‌پسندند.

... تازه این تمام ماجرا نیست! این اندازه سفاکی هنوز خاطر "قسی" انسان خواهان حاکم بر میهن ما را خشنود نمی‌سازد؛ هنوز برای اینکه دژخیمان کینه ورز ج ۱۰۱۰ در لذت بهیمی خود بلمند راه ناپیموده بسیار است؛ باید خود را "حق" جلوه داد و از سویی مسائل عمده مردم را به زیر سایه راند؛ باید بدون آنکه زحمت شستن دستهای خون آلود برگردن "آدمی" باشد کشت و نابود کرد؛ باید پیش از سیردن این مبارزین به جوخه اعدام، شخصیت و هویت آنان را به قتل رساند؛ تا شاید از این گذر، اعتبار و حیثیت نداشته خود را تأمین نمود ... اینجاست که میراث جهانی رژیم طاغوت به کار گرفته می‌شود، یعنی درست همان چیزی که در مذمت و ردالت آن تن‌ها کافز سیاه شده و به اندازه دور کوره زمین، فیلم و نوار سخنرانی تهیه شده است. اینجاست که همه "استعداد و شکوفائی مغزهای" مکتبی و پرورده "سیا و اینتلیجنت سرویس به کار می‌آید؛ قتل عام گروهی، این بار نه با گلوله‌های سربی، دستبندهای قیانی، شوک‌های الکتریکی ... بل با دوربین تلویزیون، برق‌کوب کننده، پرژکتورها و در چار چوب "کلوزآپ" ها و "مدیوم شات" های نه چندان هنرمندانه که ناشیانه هم کشتارهای دسته جمعی ای که ستم‌پیشگان ج ۱۰۱۰ امروزه با کمال "افتخار" و نیز از "پیش‌اعلام شده" مرتکب می‌شوند، پدید آمده نویسی است که در سراسر تاریخ بشریت و تاریخ همه کشورهای جهان "بی‌نظیر" است؛ نمونه‌های ناقص و کوچ و معجز آن را تنها می‌توان در دوران طاغوت سراغ گرفت و پس!

حق، حاکمان ج ۱۰۱۰ می‌توانند از این باره بیه خود بی‌اند که هیچ جباری در سراسر طول تاریخ از این همه "گستاخی" برخوردار نبوده، که در برابر دیدگان حیرت زده مردم دنیا، دست به قتل عام ها و اعدام های چنین آشکار و صریح بی‌الاید و از این و آن تأکید و تعجید و تشویق و تأیید هم بطلبد.

هیچ قانون مدون و غیر مدونی، در هیچیک از کشورهای تمدن و غیر تمدن جهان وجود ندارد که بر تأیید چنین اعمال ضد شرف انسانی و لرزاننده‌های دلالت داشته باشد؛ کالیگولا، امپراطور نیمه دیوانه روم، می‌گفت:



کاش همه رم یک گردن می‌شد، تا من به ضرب تبر قطع می‌کردم!

کالیگولا با همه سفاکی و جنون و بهیمنیت خود، پروای چنین کاری را نداشت؛ حاکمیت ج ۱۰۱۰، امروز به این "آرزو" جاهه عمل پوشانده و همه "مبارزان راه مردم را" یک گردن کرده "و با گیوتینی هزار بار تیزتر از تبر، شخصیت و هویت آنان را شقه می‌کند؛ نرون، پدر زندان خدایی خود، مسیحیان را نفت آلود میکرد و از آنها مشعل میساخت؛ اینک ج ۱۰۱۰ شریف ترین فرزندان این سرزمین را آتش میزند تا مگر از روشنایی شعله های آنان، سیاهی قیروگونی‌رگه بر شبستان ایران حاکم کرده، پس بزند.

کاتالینا، این امپراتور از خویش خدا ساخته، به مخالفان خود میگفت:

"بهشت من با دار بست استخوانهای شما ساخته میشود."

حاکمان ج ۱۰۱۰ نیز اکنون با تیرباران کردن بدون مجوز شخصیت قربانیان خود، در برابر چشم دنیا آنان را از بین میبرد تا خود در بهشت "شهادی خویش" زندگی کنند.

جباران مرده و زنده تاریخ از اینکه امروز "آرزوها" و "آمال" ناتمام به فرجام نرسیده خود را "تحقق یافته" می‌بینند، غرق شادی‌اند و در کورهای سرد و کاخهای سفید "خودارضیم قلب حاکمان ج ۱۰۱۰ را سیاسی می‌گویند.

با این حال، آیا این همه قسارت و بی‌رحمی را افتخار دانستن و فوج فوج، "نادم" و "نواب" و "مقر" پروراندن به چه معناست؟

آیا ج ۱۰۱۰ با این قتل عام های گروهی چه هدفی را دنبال می‌کنند؟ پاسخ روشن است؛ فرماندهان این عملیات مرگ آور ابتدا و پیش از هر چیز تقلا می‌کنند تا با ویران سازی شخصیت این مبارزان ضد امپریالیست، ویران سرائی را که خود بوجود آورد هاند، آباد جلوه دهند و به خیال خود خاکستر مرگ براراده، و جرأت و نیت کسانی که با تمام قلب و توان خود در آرزوی "آبادی" ایرانند، بپاشند؛ چه تقلاهای عشی!

تاریخ به گفته گوته گاه مانند "مفستوفل" است که شر می‌اندیشد ولی خیر می‌آفریند.

مردم سالهاست که به این ستم پیشگان با تاریخ خود و با یانگ رسای مانی پاسخ داده‌اند؛ مانی در آخرین لحظه حیات و با آخرین نفس خود به شاپور گفت:

"در ویرانی سرای وجود من، آبادانی عالمی بقیه در صفحه ۱۰"

حرف‌های حرف

روز قیامت

"ایشان خیلی زحمت کشیدند و خدمات زیادی کردند در امر کشاورزی ۰۰۰ با این توصیف، علت عزل آقای سلامتی چه بوده است؟"

● همان زحماتی که کشیدند و خدماتی که کردند!

"آیا عملکرد وزیر سابق کشاورزی مطلوب بود یا خیر؟ صریحا اعلام کنید چه عواملی باعث شده است از نظر عملکرد تعویض شود؟"

● صریحا اعلام می‌کنیم: مطلوب بودن عملکرد باعث شده که تعویض شود!

"مشخص کنید که اکنون کجای خودکفایی و نیازمندی هستیم. کجای وابستگی هستیم؟"

● در حقیقت خودکفایی، در اوج نیازمندی، و در عقب وابستگی!

"اکنون وضعیت کشاورزی ما چگونه است؟"

● درست مثل وضعیت صنعت مان: خراب اندر خراب!

"آقای نخست وزیر گفته بودند که وقتی مسئله مهاجرت‌ها حل شد، مسئله فاصلاروستاها و شهرها حل شد، مسئله گسترش صنایع در سراسر کشور حل شد، تمرکز در شهرهای بزرگ از بین رفت، مسئله مسکن ما هم به طور اصولی حل می‌شود."

● یعنی وقت گری! یعنی روز قیامت!

"از نخست وزیر تقاضا می‌کنیم مسائلی را باز کنند"

● لطفا باز نکنید که گذش درمی‌آید!

غلامحسین نادری، نماینده مجلس (صبح آزادگان، ۱۲/۶/۷)

تقسیم کار بسک جمهوری اسلامی

"پشت سر هم تکرار می‌کنند که (برادرمان دکتر کلانتری) از آمریکا آمده است ۰۰۰ آیا این امکان دارد که انسان در زندان باشد و دکترای کشاورزی بگیرد؟"

● پس در مبارزه و انقلاب هم مثل بقیه چیزها باید "تقسیم کار" کرد: یک عده پرونده زندان شکنجه ببینند، یک عده هم بروند آمریکا دکتر بگیرند!

دکتر زرگر نماینده مجلس (صبح آزادگان، ۱۲/۶/۸)

از درون گردونه انتخابات آتی مجلس چه کسی بیرون خواهد آمد؟!

دل‌های مردم باقی بمانند، کما اینکه شایسته آن هستند (آزادگان، ۱۵/۵/۶۲).

با توجه به چنین شرایط سیاسی-اجتماعی، که امروزه در جمهوری اسلامی ایران حاکم است، و روز بروز پیگیرانتر از طرف مجموعه حاکمیت دنبال می‌گردد، پیش‌بینی اینکه انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی چگونه انجام می‌گردد و چه نتایجی را به ارمغان خواهد آورد، دشوار نیست!

طبیعی است در چنین شرایطی نمایندگان واقعی زحمتکشان، که حامل نظریات و ایده آل‌ها و برنامه‌های آنها، جهت تعمیق انقلاب، به مجلس راه نخواهند یافت. به عکس نمایندگان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان کرسی‌های بیشتر و بیشتری را اشغال خواهند نمود. در چنین شرایطی داشتن برنامه انقلابی و روشن، ملاک انتخاب شدن در مجلس نیست؛ میزان، درجه "وابستگی" به راستگرایان و حد بازتاباندن نظرات و تأمین منافع آنانست. در چنین شرایطی آن نمایندگان گانی که بر سر پیمان خود با خلق باقی هستند به مجلس آینده راه نخواهند یافت و بالعکس "پرواستادها" و "خاموشی"های بیشتری وارد مجلس میشوند. اگر "پرواستادها" و "خاموشی"ها در مجلس فعلی، جهت کسب اعتبار ناه با مختصر مواقعی روبرو شدند، در مجلس آینده از این مختصر مقاومت نیز نشان و خبری نخواهد بود.

طبعاً بزرگ سرمایه‌داران و کلان زمینداران و نمایندگان راستگرای آنها از انتخابات آینده مجلس جهت نیل به هدف نهایی خود، یعنی کسب تمام مواضع قدرت استفاده خواهند کرد. آنها با استفاده از شرایط سیاسی حاکم بر کشور، تلاش خواهند کرد تا قوه مقننه را که از مهم‌ترین قوای کشوری است تسخیر نموده و آنرا به اهرمی مطمئن و نیرومند جهت کسب تمام اهرم‌های قدرت بدل سازند.

لیبرالها نیز در مجلس آینده سهم خود را می‌طلبند. آنها که از عقب نارضایتی توده‌های مردم زحمتکش، از سیاست‌های مجموعه حاکمیت آگاهند، تلاش دارند که این نارضایتی عمیق را به سکوی پسرش جهت کسب مواضع بیشتر در مجلس و حکومت آینده تبدیل کنند. لیبرالها، "آزادی ادعایی" را فقط برای خود و دیگر مدافعان سرمایه می‌خواهند، نه برای زحمتکشان و مدافعان حقوق آنها. لیبرالها در واقع راستگرایان و تسلیم طلبان درون حکومت را به معامله دعوت می‌کنند و "آزادی" نیز در واقع اسم رمز این دعوت است.

اوائل سال ۶۳ اولین دوره مجلس شورای اسلامی (دوره کنونی) پایان می‌یابد. حجت الاسلام ناطق نوری، وزیر کشور جمهوری اسلامی، طی مصاحبه‌ای آغاز مقدمات کار انتخابات دوامین دوره مجلس را اعلام کرد. قبیل از اعلام این موضوع توسط وزیر کشور، مهندس بازرگان، نخست وزیر لیبرال دولت موقت، طی نطق پیش از دستور خود در مجلس، که مورد انتقاد تعدادی از نمایندگان و برخی از مطبوعات رسمی کشور قرار گرفت، در رابطه با انتخابات آینده و لزوم "آزاد" بودن آن سخنانی ایراد کرد.

ولی آنچه که در روی این مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها باید مورد توجه قرار گیرد شرایط سیاسی-اجتماعی حاکم بر کشور است؛ شرایطی که در آن انتخابات آینده باید صورت گیرد.

همچنین باید به این سوال پاسخ درست داد، که با وضعیت موجود کشور، و سمت‌سبستی که در مجموعه حاکمیت جمهوری اسلامی غالب شده و تسریح آتی این سمت‌گیری، نتیجه منطقی انتخابات آینده مجلس چه خواهد بود؟ هدف لیبرالها از به میدان آمدن مجدد چیست؟

امروز در کشور ما از آزاد پهای صرحه در قانون اساسی هیچ‌گونه اثری نیست. در جمهوری اسلامی ایران نیروهای دگراندیش مردمی، پیوسته پیروان سوسیالیسم علمی، نه تنها از هیچ‌گونه آزادی فعالیت سیاسی برخوردار نیستند، بلکه زیر شدیدترین اختناق و پیگرد پلیسی قرار دارند. حزب توده ایران بشکلی خشن و قهرآمیز سرکوب شده و می‌شود و موج چنین سرکوبی هر کس را که ذره‌ای به خود جرأت دفاع از ایدئالهای مردم و انقلاب بد دهد تهدید می‌کند. امروز حتی مسلمانان انقلابی نیز، که جرئت کرد مانند بگویند در جمهوری اسلامی "مستضعف مستضعف ترو مستکبر مستکبر تر شده است" تحت عنوان شیاطین تهدید میشوند که "سرجای خود بنشینید والا لیست افراد شما آشکار خواهد شد و شما به آنجا خواهید رفت که منافقین رفتند" (اطلاعات، ۱۲/۳/۷۲).

بر عکس نیروهای هوادار سازش و آشتی با امپریالیسم، از آزادی کامل برخوردارند و حتی هنگامیکه دوش از سردمداران آن‌ها پس از افشای سیاست عمیقاً ضد انقلابی و ضد مردمی خود مجبور به استعفا از پست وزارت میشوند، آقای رئیس‌جمهور طلب می‌کند که:

"باید با همان قداست در ذهن‌ها و

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

ضرورت ادامه این جنگ بی سرانجام چیست؟

بقیه از صفحه ۱

پرداختند و این عامل پریشانی و رنج را زمینه ساز "جوشیدن استعدادها"، "شکوفایی خلایقیت" و "سازندگی نامیدند".

اگر سردمداران چ ۱۰۱۰ نمی دانند، مردی که جنگ هستی شان را بر باد داده، بخوبی می داند آنچه که در این مهلکه "می جوشد" و یک لحظه نیز از جوشش باز نمی ایستد، نه "استعدادها" ی بیگران انسانها، بلکه خون گلگون و تپنده "جوانانی است که قربانی بازی های امپریا - لیسم و مدافعان منافع آن در حاکمیت چ ۱۰۱۰ شده اند. آنها بخوبی میدانند، آنچه که می -

شکفتد و یک لحظه نیز از شکفتن باز نمی ایستد، گل رنج و درد، در قلب محرومان و "پینه - بدستان" این سرزمین است. ۰۰۰ آری، آنها به خوبی می دانند "سازندگی" معنای دیگری دارد و با آنچه واقعیت ویرانگر جنگ، پیش - رویشان نهاده، یکی نیست!

بی شک، عمل جنایتکارانه رژیم عراق، حملات مرگبار موشکی ارتش عراق به مردم بی دفاع - آنها در دل سیاه شب - جنایتی ضد بشری و محکوم است، و مانع از چون دیگر انسانهای شرافتمند میهنان و جهان آنرا محکوم میکنیم و به مردم زحمتکش و ستندیده خود تسلیت می گوئیم

و هم آوا با آنان، از مدافعان سرسخت ادامه این جنگ توان فرسا می پرسیم: "این همه قربانی چه ضرورتی دارد؟! "

ظاهرا این پرسش و پرسش های تالی آن پیش از پیش عمیق تر از پیش، در جامعه مطرح است و برغم حکومت سانسور و خودسانسوری در مطبوعات رسمی کشور نیز باز تاب یافته است. به عنوان مثال سرمقاله نویسنده "اطلاعات" سوم مهرماه - می نویسد:

"جنگ بویژه، در این مرحله که ما در موضع تهاجمی قرار داریم. ۰۰۰ پیش از پیش نیازمند توجیه و بحث و شرح و شکافتن و دلیل آوردن است. ۰۰۰ پیش از پیش و عمیق تر از پیش. ۰۰۰"

البته راه حل هایی که سرمقاله نویسنده اطلاعات ارائه می کند، نه در جهت پاسخگویی به چسرای "ضرورت جنگ" است، بلکه درست در راستای گریز از پاسخگویی به این "چرا" است. او نیز مانند همه، تصمیم گیران و مجریان حاکمیت چ ۱۰۱۰ تقلا می کند، با جمله پردازی ها و لفاظی های پر رنگ و لعاب، درخشش الماس گونه این پرسش واقعی و مبرم مردم را تحت الشعاع قرار دهد و "مسائلی" را که "واقعی" نیست، بر مسند "واقعیت" مردم بنشانند.

با اینهمه، فریاد های اعتراضی و حق طلبانه مردم که خواهان حل "مسائل دیگر" اند، حاکمان جمهوری اسلامی را واداشته است تا ضامن اطمینان دیگری برای "عده و وعید های خود بچوبند. حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور اسلامی با پرده پوشی واقعیتی که خود می داند، که جنگ چیزی است که می تواند ریشه يك ملت، يك کشور و يك انقلاب را خشک بکند، می - گوید:

"اگر ما به جنگ بپردازیم و آن را به شکل قاطعی حل کنیم، با اندکی تأخیر به همه مسائل دیگر خواهیم رسید، اما اگر چنانچه به جنگ نپردازیم و آن را حل نکنیم، نه به جنگ خواهیم رسید و نه به آن مسائل (؟) ". (همانجا)

البته، حجت الاسلام خامنه ای مشخص نمی کند که این "اندکی تأخیر" - پس از سه سال -

چه مدت طول خواهد کشید - هر چند که همکاران نشان "نقشه" جنگ برای چند دهه آینده را نیز تدارک دیده اند - وی همچنین رابطه لازم و ملزومی بین "حل جنگ" و "حل آن مسائل دیگر" را نیز توضیح نمی دهد. اما آنچه در این سخن عیان است، واقعیتی است که به بیان آمده؛ اینکه: "جنگ چیزی است که میتواند ریشه يك ملت، يك کشور و يك انقلاب را خشک بکند". مردم ما می پرسند - و بحق و در رویا - روشی یا واقعیات نیز می پرسند - "پس ضرورت ادامه چنین جنگی، چیست؟! "

ساطور خون چکانی که شرف و ...

بقیه از صفحه ۸

است "

این سخنی است که حافظه پهنار تاریخ بد رستی آن شهادت داده است.

اینکه ساطور خون چکان میرغضبان چ ۱۰۱۰ شخصیت، شرف و سیرت و هویت زندانیان سیاسی را نشانه گیرد برای هیچ وجدان بیداری قابل پذیرش نیست.

در واقع کدام انسان منصف و شریفی است که با این "شعبده بازی های" نمایشی، فریب بخورد؟

اکنون دیگر همه مردم و جهانیان نیز، می دانند که هزاران زندانی تودهای، ماههای متوالی است که در فراموشخانه ها و سیاهچالهای چ ۱۰۱۰ گم شده اند و هفته هاست که با چشمان بسته و دست و پای در زنجیر، در سلولهای تنگ و سیاه، شکنجه می بینند و با چهره ها و پیکرهای مسخ شده، به حال خود رها می شوند.

اکنون دیگر همه مردم و جهانیان نیز، می دانند که درهای آهنی فراموشخانه های چ ۱۰۱۰ تنها و تنها به روی شکنجه گران ساواکسی و "تحسین کنندگان" آنان گشوده می شود و لایق پهران و مادران و فرزندان و همسرانسی که در جستجوی عزیزان خود، از این زندان به آن زندان "پاس" داده می شوند و نیز ناظران بی طرف بین المللی و پزشکان و حقوقدانان پراعتبار جهانی را به این سیاهچالها راهی نیست:

اگر "حقانیت" ادعای سران چ ۱۰۱۰ بقدر پر جلوه است که "همه" را "مجاب" می کند و دیدگان "همه" را خیره می سازد، چرا این "درخشش" تنها از راه دروین های تلویزیونی، به نمایش گذاشته می شود؟! چه باك از رویارویی بلاواسطه با این "حقانیت"؟! پاسخ به این پرسش روشن و صریح را شاید

تنها سران چ ۱۰۱۰ ندانند که با تهیه سریال های تلویزیونی، هر روز، و امروز بیش از دیروز، در مرداب تزویر و ریا و بی آبرویی خویش، بیشتر فرو می روند. این واقعیتی است که ادعاهای دروغین داشتن "حقانیت"، تنها و تنها با کنترل آن از سوی انسانهای آزاده و اندیشمندان اثبات پذیر است. آنها که از کنترل شیوه های "اثبات حقانیت" خود وحشت دارند و آنها را پنهان نگه می دارند، خود دلیل تزویر و ریا و ددمنشی خویش را عرضه می کنند.

هم از این روست که دست اندرکاران و تهیه کنندگان این "شوفا" به گنجی و سردرگمی دچار آماجند: نتایج کسی که پخش این قبیل "سریال" ها به بار آورده، ضربه ای است که درست قلب حاکمیت را هدف قرار داده است.

آنها غافلند که نمایش این شوفا، نمایشی چون و بهیبت و قساوت آنهاست. غافلند که پخش این نمایشات نه "عسرت" کسی، بل نیروی معنوی عظیم مردم را بسری - انگیزد؛ درس میدهد و چهره کریم انسان معای سلاخان شرف و انسانیت و شخصیت آدمی را آشکار می سازد.

آنها غافلند که خود به دست خود، سند محکومیت خویش را امضا می کنند.

آری غافلند که خود، با نمایش چنین جنایتها، شوق فورانی ایتار و هجوم و تعرض همه گیر و پیکار در راه انقلاب و انسانیت را بر می انگیزند.

ستم - به هر شکل و به هر طریق - و نبرد علیه ستم فراموش شدن نیست، همانگونه که جنایت - به هر شکل و به هر طریق - و نبرد علیه آن پیادمانندنی است.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

زنان دمکرات ایران را از بند برهانیم!

ایران " درج گردیده است، ضمن اشاره به رویداد های اخیر ایران و ایجاد تضییقات از طرف حکومت یج ۰۱۰۱۰ برای فعالیت سازمان های مرفی در میهن ما، خواست محافظی دمکراتیک بین المللی و دمکراتهای هند وستان مبنی بر آزادی کلیه زنان مبارز از زندانها، مطرح و بر آن تأکید شده است. از جمله این نشریات، روزنامه "پتریوت" و مجله "هفتگی لینک" چاپ دهلی نو است.

روزنامه "هیماچال جاناتا" چاپ سیمل، نیز ضمن درج اعلامیه سازمانهای خارج از کشور "تشکیلات دمکراتیک زنان" و ابراز نگرانی از آنچه که در زندانهای ایران بر زنان مبارز می گذرد، بنام نیروهای دمکرات، خواستار آزادی بلاد رنگ کلیه این مبارزین گردیده است.

بقیه در صفحه ۶

"تشکیلات دمکراتیک زنان" خواستار آزادی فوری این مبارزین شده اند:

● انجمن زنان زحمتکش در ادون
● فدراسیون های سراسری دانشجویان و جوانان
● کمیته ایالت اترپرادش ● اساتید دانشگاه
● دادون ● نایب رئیس فدراسیون سراسری
زنان هند وستان - شعبه "دادون"

از جمله سازمانهای دمکراتیک دیگری که همبستگی خود را با زنان دگراندیش زندانی در ایران اعلام نمود هاند، "انجمن دمکراتیک سراسری زنان هند وستان، شعبه تمیل نادر است.

● در مقالاتی که در روزنامه های مرفی کثیر -
الاتنشار در دهلی نو در رابطه با بازداشت
کادرها و اعضای "تشکیلات دمکراتیک زنان

بیست و دو سازمان و حزب مرفی در هند وستان، بیانیه مشترکی تحت عنوان "همبستگی با فعالین تشکیلات دمکراتیک زنان و سایر زنان دگراندیش دربند" صادر کرده اند، که طی آن به نقش این مبارزین در انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ایران اشاره نموده و اعمال رفتار وحشیانه با آنان را شدیداً محکوم نمود هاند.

اسامی سازمانها یقرار زیر است:

● حزب کمونیست هند وستان ● حزب کمونیست هند (مارکسیست) ● حزب سوسیالیست انقلابی ● حزب سوسیال دمکرات ● بلوک پیشرو ● سازمان سراسری صلح و همبستگی هند وستان ● فدراسیون ملی زنان هند وستان ● سازمان زنان سوسیالیست ● کنگره سراسری اتحادیه های کارگری هند وستان ● فدراسیون دانشجویان هند ● سازمان سراسری جوانان انقلابی هند وستان ● فدراسیون جوانان دمکرات هند ● سازمان جوانان دمکرات افغانستان در هند وستان ● سازمان دانشجویان عراقی، شعبه هند وستان ● جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، شعبه هند وستان ● سازمان دمکراتیک سراسری زنان هند ● اتحادیه سراسری جوانان هند وستان ● بلوک سراسری دانشجویان هند وستان ● تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در هند وستان

● شخصیتهای مرفی زیر در هند وستان، ضمن امضای نامه های اعتراضی، نسبت به بازداشت و شکنجه و آزار زنان عضو "تشکیلات دمکراتیک" و سایر زنان مبارز، آزادی آنان را که صرفاً به جرم تلاش در راه استقلال و آزادی میهن و بهبود وضع زندگی زحمتکشان، گرفتار دژخیان حکومت جمهوری اسلامی گردیده هاند، خواستار شده اند:

● دبیر کل انجمن زنان جوان مسیحی ● نایب رئیس سازمان زنان خودکفا ● مسئول "فدراسیون ملی زنان هند وستان" ● خانم آرونا آصف علی ● دبیر کل فدراسیون ● خانم ویملا فاروقی رئیس مرکز تحقیقات توسعه ای برای زنان هند و مسئول شعبه این مرکز در کلکته ● رئیس انجمن اساتید دانشگاه دهلی و گروهی از استادان این دانشگاه و دانشگاه "جواهر لعل نهرو" ● دبیر انجمن "کارگران پرچم سرخ" شهر بومبال ● خانم ان پی روچی، دبیر کل سازمان صلح و همبستگی ایالت مادیا پرادش.

● تعدادی از سازمانهای دمکراتیک در شهر پونا، ضمن صدور بیانیه مشترکی، با عنوان "زنان دمکرات ایران را از بند برهانیم" به بازداشت و شکنجه آنان شدیداً اعتراض نموده، آزادی بلاد رنگ آنان را خواستار گردیده هاند.

● سازمانها و شخصیتهای زیر در شهر درادون، ضمن ابراز نگرانی از سرنوشت زنان دگراندیش زندانی در ایران و پیوسته اعضای



در هفته‌ای که گذشت:

نه! شرقی نه! غربی!!

حاکمیت ج ۱۰۱۰ سرکوب بهیمی و انسان-ستیزانه " حزب توده " ایران را، به شایبه فتح دروازه‌های دیگری، در جهت سیاست " نه شرقی، نه غربی " خود می‌داند و به جهانیان اعلام می‌کند که:

" ما شعار دادیم، نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی، در قسمت اول و دوم هیچ کوتاه نیامدیم، واقعا با شرق هیچ ارتباطی نداریم، تمام روابط قطع شد. تمام پیوند های ذلت بار قطع شد " و " ما تودهایبارا گرفتیم، ما تودهایها را بازجویی کردیم، الان خیلی از غربی‌ها دیگر باورشان شده است که واقعا نه شرقی و نه غربی هستیم "

شاید افرادی باشند که با این هیاهوهای کمرکننده فریب بخورند و سخنان و اقدامات سرکوبگرانه ارتجاع را گامی در جهت سیاست " نه شرقی " محسوب دارند، ولی همان " افراد - اگر از کمترین حد آگاهی برخوردار باشند از خود می‌پرسند که آیا چنین گفتار و کرداری چنین تأکید و تأییدی نشانه " دعوت دلجویانه " حاکمیت ج ۱۰۱۰ برای غرب نیست؟! آیا ترجمه صریح و روشن این عبارات در بیلماتیك، به این معنا نیست که " ما به غرب ثابت کردیم، " شرقی " نیستیم و آنها ضرورتی ندارند در باره ما نگران باشند؟! "

آقای املشی در صحبت‌های خود ادعا کرده است که ج ۱۰۱۰ با " غرب هیچگونه روابط غیر- انسانی و غیر اسلامی " ندارد. البته این ادعا که روابط گسترده اقتصادی و تجاری و سیاسی ج ۱۰۱۰ با کشورهای امپریالیستی غرب غیر- انسانی و غیر اسلامی نیست، با معیارهای " انسانی " و " اسلامی " حاکمیت ج ۱۰۱۰ مطابقت تام دارد، حرفی در آن نیست! مگر جز این است که سردمداران ج ۱۰ به پیروی از همین ضوابط " انسانی " و " اسلامی " بود که یورش درنده- خویانه و امپریالیسم پسندانه خود را علیه حزب توده، ایران سازمان دادند و " چراغ " کنفرانس ویلیامزبورگ را روشن نگه داشتند؟

با این حال گذشته از سرشت اسارت بار چنین مناسباتی با غرب، این گسترش روز افزون " مبادلات و معاملات و مناسبات اقتصادی ایران با جهان آزاد " است که اهمیت ویژه‌ای را به خود اختصاص داده. طبق گزارشاتی که در حین برگزاری نمایشگاه بین‌المللی تهران منتشر شد، حجم مناسبات اقتصادی و تجاری آلمان فدرال و ایران در هفت ماه گذشته ۱۴۵ درصد افزایش داشته و طبق گفته نماینده کنسرن زیمسن در تهران، دگرزمنای گسترش این مناسبات بسیار چشمگیر است. این تنها آلمان فدرال در میان کشورهای سرمایه‌داری غرب نیست که مناسبات

خود را با ج ۱۰۱۰ گسترش داده، بلکه تمام کشورهای غربی نیز توانستند از برکت وجود " سیاست نه شرقی، نه معاملات " بله غربی " خود را با دولت ج ۱۰۱۰ گسترش دهند و بر پایه همین سیاست هم پیرامون مناسبات سیاسی و اقتصادی و به توافق نماینده زیمسن در تهران گفته است:

" شعار نه شرقی و نه غربی " فقط بر دیوار ها باقی مانده " .
بنظر ما نماینده زیمسن - در این زمینه - کاملا حق دارد. وقتی شعارهای اصلی انقلاب که مضمون مردمی و ملی انقلاب را مشخص می ساخت، به دست فراموشی سپرده شده چرا این یکی، " بر دیوار باقی نماند "؟! "

" بلزهم در باره "

حزب جمهوری اسلامی

حجت الاسلام خامنه‌ای، رئیس-جمهور و دبیر کل حزب جمهوری اسلامی، در دیدار با اعضای حزب ج ۱۰ استان سمنان گفت:

" ما حزب را به عنوان ابزاری برای حفظ انقلاب می‌شناسیم و این است که برای ما معتبر و محترم می‌باشد. اگر روزی قرار بر این شد که ببینیم این ابزار کارائی ندارد و حزب ج ۱۰ نمیتواند از آن انقلابی که برگزگان ما بسته است، دفاع کند این حزب را کنار خواهیم گذاشت " (اطلاعات، ۲ مهر ۶۲)

چنانکه از محتوای صحبت های آقای خامنه‌ای برمی‌آید، حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در صدد است تا برای حفظ " آن چیزی که در کشور انقلاب " می‌نامد و برای مردم زحمتکش ایران معنای دیگری جز سیاستهای انقلاب برانداختن ندارد، حتی احزاب و سازمانهایی را که نقش ابزار به قدرت رسیدن راست گرایان را ایفا کردند، از گردونه قدرت خارج کند.

آقای خامنه‌ای با واژه‌های " خاص " خود، توضیح می‌دهد که بود وجود این " حزب " تنها آنجا ضرورت داشته و دارد که ضامن تثبیت " آن انقلابی " باشد که به رگ جان " شان بسته است و در غیر اینصورت " هلاکش به وجود! "

امروز دیگر مردم ایران می‌دانند " انقلابی " که سردمداران ج ۱۰ از آن دم می‌زنند و " رگ جان " شان بسته است، نه آن انقلابی است که " کوخ نشینان " به پا کردند، تا به نان، آب، برق، کار، خانه و ... مایحتساج اولیه خود دست یابند، بلکه " انقلابی " است که همه مضمون و اهرمهای اقتصادی، سیاسی- اجتماعی آن، در خدمت به منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان خلاصه می‌شود. در این استکان کوچک، چقدر از شط پنهان و نیازها و

خواستهای مردم گنجانده می‌شود؟ اینگونه که پدید است، برخی مخالفت‌های پراکنده پیکر حزب یا سیاستهای انقلاب برانداختن رهبریت آن، هر روز گسترش تازه‌ای می‌یابد و اکنون به آنجا رسیده که " دبیر کل " ج ۱۰ بجای پاسخ منطقی و " خیرخواهانه " به آنان این چنین آشکار خط و نشان می‌کشد.

ما، به نوبه خود به این محافل مردمی هشدار می‌دهیم که در حزب جمهوری اسلامی دیگر نمی‌توان از منافع مردم و زحمتکشان دفاع کرد: در واقع زمان صف آراییی های جدید فرا رسیده است. اگر آنان، هنوز خود را مؤمن به انقلاب و اهداف عاجل آن استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی می‌پایند، باید سازمانهای مستقل و تشکلهای انقلابی خویش را تشکیل دهند و صف خود را از کسانی که حزب جمهوری اسلامی ایران را به ابزار تحکیم " انقلاب " شان، تبدیل کرده اند جدا سازند.

بازاریان گستاخ ترمی شوند

خبر این است:

" شخصی برای مصارف یکی از نیروگاههای شمال کشور، چندی قبل ۴۰۰ تن لوله از وزارت بازرگانی دریافت کرد که این شخص پس از تحویل گرفتن لوله‌ها، آنها را در بازار آزاد تاشکختی سیزده هزار تومان می‌فروشد " (اطلاعات، ۲ مهر)

سرمایه‌داری تجاری که در دوران پس از پیروزی انقلاب، از خلا وجودی بورژوازی کپراد و سود برد - خلائی که از ضربه خوردن این بورژوازی بوجود آمده بود - و اهرمهای اقتصادی کشور را بدست گرفت، توانست با عدم اجرای قوانین و اصول قید شده در قانون اساسی از جمله ملی شدن بازرگانی خارجی، کنترل توزیع داخلی و سازمان دادن آن از سوی دولت و تعاونی‌ها، موقعیت خود را در مجموعه حاکمیت، تثبیت و تحکیم کند. تحکیم مواضع سرمایه داری تجاری و گسترش نفوذ سیاسی آنها در حاکمیت ج ۱۰، بدست های این بخش از سرمایه داری را در غارت خلق و انباشت سود های کلان باز گذاشت. سرمایه تجاری با استفاده از مواضع اقتصادی و سیاسی قدرت و با توسل به شیوه های دیر آشنای تطمیع و ارتشا، شعاع عمل و امکانات خود را برای ادامه غارتگری و جلوگیری از اعمال سیاستهای " غیر مطلوب " گسترش داد. نظامی بوجود آمد که تأمین کننده سود های کلان و سرشار برای این بخش از سرمایه داری ایران بود. نظامی که امکان می‌دهد ۴۰۰ تن آهن را بین راه نیروگاه شمال " ببلعند " و تنها ۴/۵ تن آن کشف شود. تجار بزرگ آنقدر از این " خوان " بردمانند که قادرند يك قلم ۴۸ میلیون تومان جریمه " گرانفروشی " بپردازند و چنان در جای خود محکم ایستادند که صریح می‌گویند:

" من نباید محاکمه بشوم. چون به جبهه کمک کردم. اگر من گرانفروشی کردم در عوض نیز به خیلی جاها کمک کردم " (اطلاعات، ۲ مهر)

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

دلیل اینگونه "مقاومت" ها را تنها می-توان در محتوای سیاستی جستجو کرد که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، اعمال می کند - حاکمیتی که با صدها بند مرئی و نامرئی به بازار پیوند خورده - بی گفتگو پیدا است که "راز ناکام ماندن" وعده "هایی که حاکمیت، به عنوان راه حل های محضلات اجتماعی، از جمله توزیع داخلی و مبارزه با گرانی و کمبود مصنوعی، ارائه داده نیز در همین پیوند ها نهفته است .

جمهوری اسلامی چه گلی به سر "گل سرسبد همه مخلوقات" زده؟!

در روزنامه "اطلاعات" - ۳ مهر - گزارشی از چند روستای آذربایجان شرقی به چاپ رسیده که به نوبه خود قابل تأمل است. این گزارش که می توان آنرا آئینه تمام نمای همه روستاهای ایران محسوب داشت از فقر و محرومیت و درد و رنجی که همواره و اکنون نیز پیش از پیش بر زندگی و آینده روستائیان می گذرد، حکایت دارد .

داستان رنجبار و غم انگیز گذران زندگی روستائیان ما، داستان تأثر آفر و تلخی است که چون سایه ای شوم، همواره با آنان بوده است. ستمی که خان در دوران طاقوت، بر روستایی ایران روا می داشت، هنوز هم با برجاساست، حجت الاسلام شفاغی عضو شورای اسلامی روستای لنجسوان سراب می گوید:

زمین

"از عمده مشکلات دیگر روستاها اینست که از زمان رژیم گذشته، عده ای که خود را بصورت خان، کدخدا و قودال و یا به صورت های دیگر به روستائیان حاکم کرده بودند، هنوز هم در بعضی از روستاها فکر حاکمیتشان از مغزها بیرون نرفته و عده ای هنوز نقش اساسی دارند،

و در روستاها، واقعا عده ای از مستضعفین را رنج می دهند و باعث می شوند که روستائیان مظلوم شده و احياناً خانه و کاشانه خود را ترک نموده و بروندا زراعتشان هم مزعوم بماند". البته آقای حجت الاسلام ترجیح می دهد، مسئله اصلی، حیاتی و واقعی روستائیان را - مسئله زمین را - بدینگونه مطرح سازد و اگر شده با واسطه نیز، انگیزه اصلی مهاجرت های گروهی روستائیان را به شهر، بازگو نماید. مسئله ای که امروزه، "بفرموده" زمینداران بزرگ و خان های به وطن بازگشته جزو "محرمات" بحساب آمده و سخن گفتن از آن، تبعیت از "کفر" و شیاطین ملحد" به شمار می رود .

سایر مشکلات بزرگ و پایان ناپذیر روستائیان نیز در این گفتگو به میان نهاده شده: از جمله قوام شمس از روحانیون اهل سنت منطقه می گوید:

آب آشامیدنی

"روستایی ما که هزار نفر سکنه دارد، فاقد آب آشامیدنی است و لذا اهالی مریض

می شوند و از رودخانه های آب می خوریم که از چهار روستا می گذرد و فاضل آب و کثافات چهار روستا در آن جاری و ما از آن به عنوان آب آشامیدنی استفاده می کنیم ."

راه

"اولین وسیله اجتماعی که می تواند انسانها را به همدیگر مرتبط سازد، راه می باشد که متأسفانه بسیاری از روستاهای ما فاقد آن هستند ."

آب زراعتی

"... هم چنین نبودن آب زراعتی از دیگر مسائل روستائیان است که آنها را در امور کشاورزی با مشکلات بسیاری مواجه می کند و در نتیجه در امور زراعتی به نتایج مطلوب نمی رسند ."

بهداشت

"در روستاهای ما محرومینی هستند که در گوشه های روستاها مانده اند و انسان با دیدن وضع آنها واقعا به گریه می افتد، روستاهای بسیاری حمام ندارند و اهالی با آن همه تلاش روزانه شاید در سال یکبار هم نتوانند، حمام را ببینند و شاید هم افرادی در روستاها باشند که تا کنون حتی روی حمام را ندیده اند ."

نبودن کالای

"... متأسفانه کالاهای سهمیه بندی شده عادلانه تقسیم نمی شوند و لذا به روستاها نمی رسد ."

عدم حمایت دولت

"متأسفانه برنج های ما روی دست می ماند و آنها را نمی خرند. در سال ۶۱ شرکت تعاونی مقداری خریداری کرد ولی بقیه روی دستمان ماند و ما گرفتار سلف خرها شدیم ."

این مشکلات، نارسائینها و نابسامانیها، در سمیناری که به همین مناسبت برپا شده بود نیز مطرح شد. و مسئولین و گردانندگان امور روستاهای آذربایجان شرقی، به جای پاسخ صریح و روشن و درمان کننده به آن، باز هم نت همیشگی خود را نواختند و به روستائیان که از فقر و رنج و بی سرو سامانی بیسه جان آمده اند ثابت کردند که "برنامه های شرق غیر انسانی است ."

نماینده امام، در پایان این سمینار گفت:

"در کشورهای شرقی و غربی هدف آنها به زنجیر کشیدن بزرگ و کارگر است، ما می بینیم که در شوروی اختیار انسان در دست خودش نیست ."

"بدین جهت ما شعار، نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی را عنوان می سازیم و می دانیم که اسلام، انسانها را گل سرسبد همه مخلوقات معرفی می نماید . . . و آنها را افضل موجودات بی پایان می دارد . . . و از این قبیل! " بزرگان " خود می توانند قضاوت کنند، در این سالهای انقلاب ۱۰۱۰ چه گلی به سر " گل سرسبد همه " مخلوقات " کسه اختیارش هم در دست " خان " است، زده است!

شوخی نیست...!

سوابق "مبارزاتی" و "اقلابی" نامزدهای وزارت!

"سراج الدین کارزونی . . . در سال ۱۳۶۱ که وارد دانشکده هنرهای زیبا شدند، در گرد همایی مذهبی که تشکیل می شده، شرکت کردند. بد نیست برادران بداند که دانشکده های هنری در رژیم گذشته جز و فاسدترین دانشکده ها بود و در آنجا فعالیت های برادران مذهبی ارزش داشت ."

برادر بعدی . . . عیسی کلانتری است که ایشان دکترا در امور کشاورزی دارند. . . سال ۵۴ به آمریکا رفتند. در آنجا فوق لیسانس و بعد دکتری خودشان را گرفتند . . . در آمریکا از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه "آیووا" بودند . . .

برادر حسین ناجی . . . ایشان از اول در انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف، در آن شرایط سخت بودند و یک مدتی هم دستگیر شدند . . . مدتی هم مدیر عامل شرکت تعاون دانشجویان دانشگاه شریف بودند که آن موقع دست چه های مذهبی قرار داشت . . .

برادر آخری آقای جعفری است . . . ایشان راهی آمریکا می شود که در آنجا هم فوق لیسانس در رشته مدیریت بازرگانی می گیرند و هم در رشته دکتری مدیریت بازرگانی مشغول تحصیل می شوند و ۵ سال در آنجا هستند و همراه با اوج گیری انقلاب اول به پاریس می روند . . . و در آنجا همراه با اولین قافله حضرت امام امت، به ایران می آیند (میر حسین موسوی نخست وزیر، صبح آزادگان، ۷ شهریور ۱۳۶۲).

یونامه یابی برنامه گی؟ مسئله این است!

"آیا اصلا هنگامی که وزیری برای وزارتخانه ای معرفی می شود، می تواند برنامه ای داشته باشد؟ به نظر این جانب خیر . . . از طرفی هر کسی را برای هر کاری بیاوریم، امکان ندارد که برنامه نداشته باشد. حتما برنامه دارد. پس اینکه گفته می شود این برادران برنامه ندارند، صحیح نیست (میاس عباسی نماینده مجلس، صبح آزادگان ۶۲/۶/۷).

تعیین کنید مورد اختلاف را!

"اختلاف حکومت اسلامی با سایر حکومت های جهانی (!) در این است که حکومت های دیگر همت شان و سعی شان این است که مردم را خوب اداره کنند و در راه ننگ دارند!" (محمد خزاعی، نماینده مجلس، صبح آزادگان، ۶۲/۶/۷).

تشابه کارگزارانندانی!

"ایشان به نحو احسن زندان قصر را اداره می کردند . . . نمایندگان محترم توجه دارند که بقیه در صفحه ۱۶

مبارزات مردم پاکستان علیه دیکتاتوری همچنان ادامه دارد!

هفت هفته است که در پاکستان مبارزه عمومی ضد دلتی ادامه دارد. هواداران جنبش اعاده دموکراسی، برای تخییر حکومت نظامی یا فشاری می کنند. آنان می خواهند زندانیان سیاسی آزاد شوند، آزاد پهای سیاسی و اجتماعی تضمین گردد و انتخابات عمومی عادلانه برگزار شود.

تظاهرات در کراچی، لاهور و بسیاری از شهرهای ایالت سند، بنا به دعوت جنبش اعاده دموکراسی که از ۹ حزب مخالف دولت تشکیل میشود تشدید گردیده است. بویژه ایالت سند مرکز جنبش عدم اطاعت از رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاء الحق گردیده است. در شهر اومارکت که در ۴۸۰ کیلومتری شمال کراچی قرار دارد مردم پرچم آمریکا را همراه عکسهای رونالد ریگان و ضیاء الحق در آتش افکندند و بدین ترتیب جنبه ضد امپریالیستی مبارزه خود را آشکار ساختند.

پلیس که از باتوم و گاز اشک آور استفاده می کرد، بیست تن را دستگیر نمود. راه پیمان به مدت شش ساعت شاهره ارتباطی کراچی و بزرگترین بندر کشور را با ایالات شمالی قطع کردند. در ایالت سند شش ایستگاه راه آهن نیز تعطیل است. در لاهور، مرکز ایالت پنجاب راه پیمائی پرجمعیتی توسط زنان سازمان داده شد که شرکت کنندگان خواستار انتخابات عمومی بودند.

پلیس ۱۴ زن را دستگیر کرد. میتینگ ها و تظاهرات در شهرهای سوکورا، هاله و دیگر نقاط نیز تشکیل شده است. تظاهر کنندگان به پاسگاه های پلیس و پایگاه های نظامی حمله کرده اند. موافق اعتراف مقامات امنیتی، پیسه هنگام سرکوب این تظاهرات بیش از ۴ نفر کشته شده اند اما رهبران جنبش اعاده دموکراسی میگویند که تعداد قربانیان خیلی بیش از اینهاست. پلیس و نظامیانی که به کشتن آمدن دستمخول پیگرد و توقیف محترضان هستند. سخت ترین سانسورها روی اخبار مربوط به تظاهرات برقرار شده به طوریکه در ظرف دو روز چندین روزنامه پایتخت و شهرستان ها توقیف گردید. در شرایط گسترش هر چه بیشتر اعتراضات و تظاهرات دولت مجبور شد انتخابات ارگانهای محل در ایالت سند و پنجاب را به تعویق اندازد. برای انجام موفقیت آمیز انتخابات دولت یگان های تازه نظامی را روانه این دویالت کرده است.

جنبش اعاده دموکراسی از هواداران خود دعوت کرده است که انتخابات را تحریم کنند و اجازه ندهند دولت افکار عمومی جهان را فریب بدهد و مدعی شود که گویا تغییراتی بسود دموکراسی صورت میگیرد. تظاهرات ضد دلتی که علیرغم خشونت های بی اندازه نیروهای انتظامی کاهش نمی یابند.

تنها موجب نگرانی اسلام آباد شده بلکه حامیان در واشنگتن را نیز دچار تشویش کرده است. تصادفی نیست که روز سسی ام سپتامبر و این برگر وزیر دفاع آمریکا وارد پاکستان شد تا هم وضع کشور و هم مسئله "ککهای" آمریکا را مورد بررسی قرار دهد. مسئله دیگری که پیرامون آن گفتگو خواهد شد موضوع ایجاد پایگاه های تازه نظامی آمریکا در سرزمین پاکستان خواهد بود.

ضیاء الحق، در آستانه سفر و این برگر کوشید آنها فقط مربوط به "ککهای" آمریکا به پاکستان و نمود کند. بدین منظور او حتی از دولت آمریکا بعلت ککهای نظامی به پاکستان تشکر کرد و در عین حال کوشید تظاهرات ضد دلتی را کم اهمیت جلوه گر سازد و آنها را "رویدادهای معمولی" قلمداد نماید.

این نکته هم قابل توجه است که نه تنها دولت امپریالیستی آمریکا نگران سرنوشت مهره خود ضیاء الحق شده است بلکه گردانندگان جمهوری اسلامی ایران نیز با به تعویق انداختن تاریخ بازگرداندن وامها که برای رد گم کردن آنها "استمهال" نامیده اند به دوست و همسنگر خویش در جنگ امپریالیستی اعلام نشده علیه افغانستان کک میکنند.

پخش پرسشنامه های متعدد برای جلب مزدوران ضد انقلابی و گسیل آنها به افغانستان نمونه های از آن است. باز این واقعیت خبر می دهد که ج ۱۰ در نظر دارد نقش و سهم مؤثرتری در کارزار امپریالیستی علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان ایفا کند. بقیه در صفحه ۱۶

همخوانی سیاست جمهوری اسلامی ایران با سلطنت طلبان

افزایش مداخلات بی پروا و گستاخانه ج ۱۰ در امور داخلی افغانستان، در این زمینه (که

تشدید موضع خصمانه حاکمیت ج ۱۰ در قبال انقلاب افغانستان، اکنون دیگر بقیه "ماجراجویی" کشانده شده است. این ماجراجویی افسار گسیخته، در واقع، خاطره شرکت رژیم شاه را، به عنوان ژاندارم منطقه، در جنگ علیه خلق ظفار در یادها زنده می کند. سران حاکمیت ج ۱۰ آشکارا و بی هیچ پرده پوشی بر تجهیز و تدارک "مجاهدین افغانی" نظارت می کنند و همچون پرزینکی ها و واین برگرها "برای ارائه پیشنهادت سازنده" اردوگاههای ضد انقلابیون افغانی و مزدوران امپریالیستی در پاکستان را مورد بازدید قرار میدهند.

یا اوج گرفتن موج تظاهرات آزاد یخواهانه مردم پاکستان، امکانات رژیم کودتائی ضیاء الحق در ادامه دخالت در امور داخلی افغانستان انقلابی و کک مستقیم به جنگ اعلان شده امپریالیسم علیه این کشور محدودتر شده است. مردم پاکستان در تظاهرات متعدد دوگسترده، نارضایتی خود را از سیاست رژیم ضیاء الحق اعلام کرده اند و برای پایان دادن به سیاست های ارتجاعی رژیم حاکم، حتی با "مجاهدین افغانی" وارد منازعه نیز شده اند.

اعلامیه اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان

این اعلامیه بتاريخ چهارشنبه (۲۹) - مرداد ۱۳۶۲ از طرف سورايمالی اتحاد اسلامي مجاهدين افغانستان صادر گرديده.

از آن جا که اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان بموجب احکام صریح منشور خویش، همبستگی و اتحاد را میان همه گروه های مجاهد مسلمان افغانستان در جهاد مقدس برای اعلاء کلمه، "الله" و آزادی افغانستان از جنگال کمونیسم و تجاوز روس ملحد، اساس عمل خود پیروزی میدانند و اتحاد سراسری ملت مجاهد افغانستان مسواره مورد تأکید ما بوده است و از جانی سمگیری در جهاد مقدس را وظیفه همه اتحاد ملت مسلمان افغانستان میدانیم. بنابراین اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان به منظور هماهنگ ساختن بهترین نیروهای جهاد و بسیری بک اتحاد بزرگ و سراسری و نیل به مقصود سمگیری عملی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه بافتاه سابق افغانستان را در جهاد مقدس حسن استقبال نموده و از خداوند (ج) برای ایشان و همه مجاهدین در داخل و خارج افغانستان توفیق مزید خواسته، ندای ایشان را در زمینه "بوجود آمدن جبهه متحد مورد تأکید قرار می دهد.

اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان با احترام و اعتقاد راسخ به خواسته و آرمان ملت مسلمان افغانستان امیدوار است تشکمل جبهه متحد، زمینه را برای برآوردن حقوق و آزوهای برحق ملت مسلمان افغانستان و پیروزی جهاد مقدس فراهم گرداند.

(و من الله التوفیق)

صدر حزب کمونیست آفریقای جنوبی درگذشت



مبارزه زحمتکشان آفریقای جنوبی در سراسر جهان، نتیجه تلاش و مبارزه بی‌امان و اصولی رفیق داد و است. وی در سال ۱۹۶۹ پس از فوت جی. پی. ماریس، به عنوان صدر حزب کمونیست آفریقای جنوبی برگزیده شد.

یوسف داد و بخوبی به رابطه میان جنبش آزاد بیخیش در آفریقای جنوبی و جنبش جهانی علیه سرمایه‌داری - استعمار و امپریالیسم جهت استقرار صلح، دموکراسی و سوسیالیسم واقف بود. زندگی میاسی رفیق داد و، همچون دیگر انقلابیون برجسته در سراسر جهان، ثابت می‌کند که بهترین انترناسیونالیست‌ها، صدیق‌ترین میهن پرستان نیز هستند.

پیام پشتیبانی‌ای که رفیق داد و (هنگامی که وی در بستر بیماری بود) از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی به حزب توده ایران داد، نمونه دیگری است از پایبندی اصولی وی به انترناسیونالیسم پرولتری. در قسمتی از این پیام چنین آمده است:

"کمیته مرکزی و تمام اعضای حزب کمونیست آفریقای جنوبی، استوار در کنار حزب توده ایران در یکی از بحرانی‌ترین اوقات تاریخش ایستاد هاند." "پیام همبستگی با شعار زنده باد حزب توده ایران، زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری همیشه پسروی پیروزی، ختم می‌شود. فقدان رفیق داد و، برای جنبش جهانی کمونیستی و تمام زحمتکشان جهان مصیبت بزرگی

صدر حزب کمونیست آفریقای جنوبی، دکتر یوسف محمد داد و، بدنبال کسالتی طولانی در تاریخ ۱۹ سپتامبر در سن هفتاد و چهار سالگی، در لندن درگذشت.

رفیق داد و، نمونه کامل یک انسان کمونیست بود. وی تمام دوران حیات خویش را وقف رهایی زحمتکشان تحت ستم آفریقای جنوبی نمود. یوسف محمد داد و در سال ۱۹۰۹، در منطقه ترانسوال آفریقای جنوبی در یک خانواده هندی-الاصل متولد شد. وی در سال ۱۹۲۶ تحصیل خود را در دانشکده پزشکی ادینبورگ به اتمام رساند. پس از مراجعت به آفریقای جنوبی، رفیق داد و، قدم به عرصه مبارزه برای رهایی زحمتکشان سیاهپوست و رنگین پوست آفریقای جنوبی، علیه رژیم تبعیض نژادی گذاشت. او در میدان مبارزه چنان رشادت، پیگیری، خلوص و جسارتی از خود نشان داد که پس از اندک زمانی به یکی از محبوبترین چهره‌های سیاسی در بین زحمتکشان تبدیل شد. رفیق داد و در سال ۱۹۳۹ به عضویت حزب کمونیست آفریقای جنوبی درآمد. مدت پیش از ۲۰ سال مبارزه بی‌امان در داخل کشور، وی چندین بار دستگیر و زندانی شد. پس از کشتار وحشیانه شارل ویل، رفیق داد و که نایب رئیس کنگره ملی آفریقا نیز بود، از طرف حزب کمونیست ماوریت یافت که به خارج از کشور مهاجرت کرده و جنبش همبستگی با زحمتکشان آفریقای جنوبی را پایه گذاری نماید و آنرا بسط دهد. همبستگی فزاینده کنونی با

است. این راد مرد، در آخرین لحظات زندگی پرافتخارش، وقتی که میدانست دیگر شعله حیاتش رو به خاموشی است، خطاب به رفقا چنین گفت:

"پس از مرگ من عزاداری نکنید! مشکل شوید و به مبارزه ادامه دهید؛ پیروزی از آن ماست." "ما نیز یاد رفیق داد و را با تشدید مبارزه خوش علیه امپریالیسم و فرزند خلفش آپارتاید، زنده نگاه خواهیم داشت."

نامه خوانندگان

- رفیق ع-ت، م. ی. نامه شما رسید؛ عمق توجه شما به حزب و آینده جنبش، ما را خوشحالی ماست. بخشی از پیشنهادات شما را که به ما مربوط می‌شود، در جای خود بکار خواهیم بست.
- شعری بدست ما رسیده است، که نه عنوانی دارد و نه اعضای دوستی که آنرا سرود؛ این شعر با "گره ات، فقط به خاطر خشم توست" شبیه‌روع می‌شود.
- دوست گرامی م-ح از دالاس آمریکا، هوادار پرچمداران جنبش کمونیستی ایران، نامه تان به دست ما رسید. همچنانکه نوشته‌اید وحدت و یکپارچگی ما ثروت ماست. دشمن تلاش دارد به طرق مختلف در این وحدت یکپارچگی خلل وارد سازد.
- دوستی از هندوستان دو نامه با امضای "م" و "کاف" (از یک پیر چشم سفید) فرستاده، که در آن توصیه‌های فراوانی کرده است، که از لطفش سپاسگزاریم.

مضحکه "انتخابات" در ترکیه

امپریالیسم آمریکا با میلیون‌ها دلار کمک نظامی خود، پشتیبان سرسخت این رژیم فاشیستی است. ۲۶ پایگاه نظامی مهم آمریکا و دویاگاه جدید دیگری که در حال تأسیس است - از مراکز مهم تدارک مداخلات نظامی امپریالیسم در خاور میانه و انجام عملیات جناسوسی علیه اتحاد شوروی است. ارتش ترکیه که توسط مستشاران آمریکایی تعلیم داده می‌شود، در حال حاضر به سرکوب و کشتار بیرحمانه خلوق کرد در مرز ترکیه و عراق - و در خاک عراق با توافق صدام - مشغول است.

دار و دسته ریگان از اینکه ایران نیز دست دوستی‌اش را به سوی ترکیه عضو ناتو دراز کرده و داد و ستد تجاری خود را با این کشور تا یک میلیارد دلار بالا برده است، اظهار خشنودی می‌کنند.

مگر نه اینست که جمهوری اسلامی با "منحله" اعلام کردن احزاب و سندیکاهای کارگری و اعمال سیاست شلاق و شکنجه در مورد مبارزان کمونیست و سایر نیروهای مترقی و ضد امپریالیست، کودتاجیان ترکیه را الگوی خود قرار داده است؟!!

پس از سه سال ترور فاشیستی و سرکوب شدید سازمانهای کارگری و احزاب چپ در ترکیه، اکنون رژیم نظامی این کشور می‌خواهد بوسیله "انتخابات" پارلمانی، خود را مشروعیت ببخشد. در شرایطی که تدارک برگزاری این انتخابات (در نوامبر آینده) دیده می‌شود، نزدیک به صد هزار زندانی سیاسی، در سیاه-چالهای رژیم کودتائی، در بدترین شرایط و زیر شکنجه پسر می‌پرند، قریب چهار هزار نفر از این زندانیان به جرم "تعلق به سازمان‌های منحل" - یعنی احزاب و سندیکاهای کارگری - به اعدام محکوم شده‌اند. از جمله این عده ۲۵ نفر از رهبران فدراسیون کارگری "دیسک" هستند. این فدراسیون علیرغم داشتن شصت هزار عضو، بوسیله رژیم کودتائی ترکیه "منحل" اعلام شده است. در حال حاضر تنها چند حزب بورژوازی، که برای خالی نبودن عریضه تشکیل شده‌اند، حق فعالیت سیاسی - آنها هم محدود را دارند.

بر طبق قانون اساسی جدید ترکیه، کنگره اهورن، دیکتاتور ترکیه، می‌تواند هر آن که بخواهد پارلمان را منحل اعلام کند.



دومین روز اعتراض ملی در اروگوئه

دومین روز اعتراض ملی علیه رژیم دیکتاتوری نظامی در اروگوئه که از ده سال پیش برکشور مسلط شده است، زیر شعار "برای آزادی، دموکراسی و تأمین کار" برگزار شد.

در مونته ویدئو بیش از صد هزار کارگر و دانشجو و کارمند در یک راه پیمانی که به ابتکار احزاب سیاسی مخالف اتحادیه های کارگری و فدراسیون دانشجویان سازمان داده شده شرکت کردند. راه پیمایان از خیابانهای مرکزی شهر عبور کردند. آنان خواهان برقراری دموکراسی، آزادی زندانیان سیاسی و تشکیل دولت غیر نظامی بودند. سپس در یکی از میدان های ورزشی شهر میتیگی برگزار گردید.

دومین روز اعتراض ملی در اروگوئه بدین ترتیب پایان یافت که تمام اهالی مونته ویدئو برای مدت ۱۵ دقیقه چراغهای خانه های خود را خاموش کردند و همزمان با آن بوقهای اتومبیل ها در سراسر شهر به صدا درآمد.

ثروت هنگفت والسا

بطوریکه تلویزیون ورشو اطلاع داد، لئو والسا رئیس اتحادیه ضد انقلابی "همبستگی"، از کمکهای "که به اشاره سازمانهای جاسوسی امپریالیستی از خارج به او میرسید حدود ۶ میلیون زلوتی و یک میلیون دلار در بانکهای خارجی به حساب شخصی خود واریز کرده است. او طی یک مکالمه تلفنی، که متن آن از تلویزیون پخش شده به برادرش توصیه میکرد است که به خارج برود و این پول را به بانک واتیکان سپارد، زیرا در این بانک با نرخ بهره حدود ۱۵ درصد طی ۷ سال ثروت او دو برابر خواهد گردید.

جالب است که کمیته جایزه نوبل، والسا را "مفتخر" به دریافت جایزه صلح نوبل در سال ۱۹۸۳ کرده است!

"شورای نگهبان" ترکیه هم "نامزدهای نامناسب" انتخاباتی را حذف می کند

پس از یازده روز بررسی، "شورای امنیت ملی" در ترکیه آندسته از نامزدهای نمایندگی مجلس را که حق شرکت از آنان سلب میشود اعلام کرد. همانطور که انتظار میرفت بیشتر این ممنوعیت ها مربوط به کسانی است که مستقلاً خود را نامزد نمایندگی کرده اند. از ۴۷۵ تن نامزد مستقل، ۴۲۸ تن حذف شده اند و حق کاندیدا شدن را ندارند. از میان سه حزب سیاسی که اجازه یافته اند در انتخابات شرکت کنند بیشترین ممنوعیت مربوط به حزب مردمی است که ۸۹ تن از ۶۰۰ نفر پیشنهاد حذف گردیده اند. از حزب میهنی ۸۱ تن و از حزب دموکراسی ملی ۷۴ تن شامل وتوی "شورای نگهبان" گردیده اند.

"شورای امنیت ملی" ترکیه که در واقع نگهبان منافع امپریالیست های ناتو، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و ارتجاع داخلی ترکیه است، نخست حدود ده حزب را از شرکت در انتخابات محروم کرد و اینک کسانی را که گمان می برود ممکن است به یاد کارگران و زحمتکشان و آزادی و استقلال کشور خود بیفتند از زندگی سیاسی حذف می کند.

ظاهراً رژیم فاشیستی ترکیه، که زمانی سران رژیم جمهوری اسلامی را به مبارزه ضد کمونیستی تشویق میکرد، اینک که به هدف خود و اربابانش دست یافته، از تجربیات "کشور دوست" و برادر "برای خفه کردن صدای نیروهای مترقی" استفاده می کند.

هر سال ۵۰۰ پزشک در افغانستان تربیت می شود

دولت جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان بمنظور بهبود وضع بهداشت و درمان توده های مردم، تعداد دانشجویان دانشکده های پزشکی و دندان پزشکی را در کابل و جلال آباد بنحو محسوسی افزایش داده است. امسال نخستین ۳۵ دندان پزشک از دانشگاه جلال آباد فارغ التحصیل خواهند شد و از سال ۱۳۶۴، از

ماهیت این گروهها و سازمانهای ضد انقلابی افغانی بارها و بارها از طرف دولت افغانستان و دوستان آن در جهان و سران گروهکهای په اصطلاح "مسلمان مجاهد" اقصاء شده است. بیانیه های صادر شده از طرف آنها رسواگر ماهیت این نیروهاست. اعلامیه "شورای عالی اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان" از جمله این اعلامیه هاست که در روزنامه "آرا" (یکی از ارگان های سلطنت طلبان)، مورخ ۲۵ شهریور، به چاپ رسیده است. این اعلامیه را که در آن پادشاه سابق افغانستان علناً مورد پشتیبانی قرار گرفته، درج می کنیم تا یکبار دیگر ماهیت این گروهک های به اصطلاح "مجاهد" و نیز حامیان ایرانی آنها، در برابر مردم دو کشور همسایه بر ملا شود!

دانشکده های این دو شهر ۵۰۰ پزشک فارغ التحصیل خواهند کرد. در عین حال، تعداد زیادی از دانشجویان افغانی در کشورهای سوسیالیستی در دانشکده های پزشکی بتحصیل مشغولند.

نخستین ثمرات رسیدگی جدی به وضع بهداشت و درمان در کشور بتدریج ظاهر می گردد. اگر در سال ۱۳۵۷ تعداد کل تخت های بیمارستان های دولتی ۲۰۰۰ عدد بود، اکنون این رقم به ۴۳۰۸ افزایش یافته است. اینک در روستاها ۱۵۷ پایگاه عمده پزشکی و ۱۰۳ درمانگاه ایجاد شده است.

نباید فراموش کرد که پس از پیروزی انقلاب، آموزشگاهها و بیمارستانها یکی از آماج های حملات ضد انقلاب وابسته به امپریالیسم بوده و هست و چه بسا کارکنان نظام پزشکی، که قربانی آدمکشی های این باندارتجاعی شدند.

شوخی نیست...

بقیه از صفحه ۱۳
برخورد با زندانی بی شایهت با برخورد با کارگر نیست (روزروانی، نماینده مجلس صبح آزادگان، ۱۲/۶/۷۷).

المعنی فی بطن قائل!

"کارگران در موقعیتی هستند که اگر تجربه های اندوخته شده یک برادر مسئول در مسائل حاد باشد و موفق از آب درآمده باشد، در این رابطه می تواند حسن سلوک کافی داشته و از خود نشان دهد!" (همان نماینده، همان جا).

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در لندن
هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

نورنبرگ ۱۰۰ مارک

RAHE TUDEH
No. 62
Friday, 7 Okt. '83

Winfried Schwarz
Address: **Markgrafenstr. 13**
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30 P.
West-Germany	Belgium	22 Fr.
	Italy	600 L.
	France	3 Fr. U.S.A.
	Austria	8 Sch. Sweden
		3 Skr.

همخوانی سیاست جمهوری

بقیه از صفحه ۱۴
این سیاست، رهبران چ.ا. را هر روز بیشتر در کنار سیاهترین نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم جهانی و ضد انقلابیون ایرانی، از نوع سلطنت طلب های ذواتش قرار داده است. در غیر اینصورت همسویی رهبران چ.ا. و محافل دست نشانده امپریالیسم آمریکایی و پشتیبانی بی دریغ از گروههای ضد انقلابی و "مسلمان نمای" افغانی که تقلا می کنند با ضربه زدن به انقلاب ملی و دموکراتیک شور افغانستان، نظام گذشته مبتنی بر استثمار و استبداد را به کشور باز گردانند، به چه معنا است!؟